

Designing and Validating a Curriculum Model Based on Postmodern Art with an Emphasis on Conceptual Art in the Second Grade of Elementary School

Farzaneh Takbeir^{1*}, Mahbobeh Khosravi², Nemat Elah Musapour³, Hassan Maleki⁴, Reza Afhemi⁵

1. Ph.D. in Curriculum Planning, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Curriculum Planning, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

3. Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Hormozgan University, Bandar Abbas, Iran

4. Professor, Department of Curriculum Planning, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

5. Associate Professor of Faculty of Arts, Department of Art History and Research, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

(Received: May 8, 2021; Accepted: September 15, 2021)

Abstract

The purpose of this article is to design and validate a curriculum model based on postmodern art with emphasis on conceptual art in the second-elementary period. The approach of this research is qualitative and the research method is used. The statistical community includes books, articles, theses and researches in the fields of post-modern art and art-based education. The findings of the research were the result of the analysis of 4 arts mentioned in post-modern art and 15 types of conceptual art; were analyzed in this study; From these studies, 242 characteristics were obtained, which 39 primary and 36 secondary categories were extracted using the synthesis research method, and finally 9 main categories were obtained. Categories include: the use of art in the social, political and cultural context, a critical approach and attention to criticism in order to change perception, having a cultural and transcultural aesthetic approach, attention to art as a platform for the emergence of creativity in development Sustainable is the interaction with the audience in the production, meaning-making, critique and modification of the work of art, the approach of bio stability in the global and regional dimension, the possibility of diversity in material, technique and media in conveying the message. In order to theoretically validate the qualitative method of the focus group was used. For this purpose, the results of the research were provided to 10 experts: curriculum, art and primary school teachers and the findings were reviewed. The results can be in the purpose section: to create an atmosphere for the emergence and emergence of creativity, attention to environmental issues, use of aesthetic criteria and methods and the power of imagination and visualization in designing activities, in the content section: integrating content with elements of everyday life Using native situations, having an interactive approach, in the evaluation section: having a critical look at learning situations, evaluating learning processes, students' ability to choose and participate in evaluation methods.

Keywords: Conceptual art, Curriculum design, Postmodern art, Second elementary course.

* **Corresponding Author, Email:** farzanetakbiri@yahoo.com

طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی مبتنی بر هنر پست مدرن با تأکید بر هنر مفهومی در دوره دوم ابتدایی

فرزانه تکبیری^{۱*}، محبوبه خسروی^۱، نعمت‌اله موسی‌پور^۲، حسن ملکی^۳، رضا افهمی^۴

۱. دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳. استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

۴. استاد، گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۵. دانشیار دانشکده هنر، گروه پژوهش و تاریخ هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴)

چکیده

هدف مقاله حاضر طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی مبتنی بر هنر پست مدرن با تأکید بر هنر مفهومی در دوره دوم ابتدایی است. رویکرد پژوهش کیفی با روش سنتز پژوهی بود. جامعه آماری کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های حوزه‌های هنر پست مدرن و آموزش مبتنی بر هنر است. یافته‌های پژوهش، حاصل تحلیل ۴ هنر مطرح در هنر پست مدرن و ۱۵ نوع هنر مفهومی بوده است؛ از این بررسی‌ها ۲۴۲ ویژگی به دست آمد که با روش سنتز پژوهی ۳۹ مقوله اولیه و ۳۶ مقوله ثانویه استخراج شد و در نهایت، ۹ مقوله اصلی به دست آمد. مقوله‌ها شامل: استفاده از هنر در بستر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی / رویکرد انتقادی و توجه به نقد به منظور تغییر ادراک / داشتن رویکرد زیبایی‌شناسی فرهنگی و فراهنگی / توجه به هنر به عنوان بستر ظهور خلاقیت در مسیر توسعه پایدار / تعامل با مخاطب در تولید، معنابخشی، نقد و تغییر اثر هنری / رویکرد پایداری زیستی در بعد جهانی و منطقه‌ای / امکان تنوع در ماده، تکنیک و رسانه در رساندن پیام / امکان تلفیق هنرها و رسانه‌ها / استفاده از تکنولوژی‌های روز است. به منظور اعتباریابی نظری از روش کیفی گروه کانونی با حضور متخصصان: برنامه درسی، هنر و معلمان دوره دوم ابتدایی استفاده شد. از تلفیق ویژگی‌های هنر مفهومی با الگوی برنامه درسی اگر می‌توان در بخش هدف، به ایجاد فضای بروز و ظهور خلاقیت، توجه به مسائل زیست‌محیطی، استفاده معیارها و شیوه‌های زیبایی‌شناسی و قدرت تخیل و تجسم در طراحی فعالیت‌ها، در بخش محتوا، تلفیق محتوا با عناصر زندگی روزمره، استفاده از موقعیت‌های بومی، داشتن رویکرد تعاملی، در بخش ارزشیابی، داشتن نگاه نقادانه در موقعیت‌های یادگیری، ارزشیابی فرایندهای یادگیری، امکان انتخاب و مشارکت دانش‌آموزان در شیوه‌های ارزشیابی اشاره کرد.

واژگان کلیدی: دوره دوم ابتدایی، طراحی الگوی برنامه درسی، هنر پست مدرن، هنر مفهومی.

* نویسنده مسئول، رایانامه: farzanetakbiri@yahoo.com

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری با عنوان «طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی مبتنی بر هنر پست مدرن با تأکید بر هنر مفهومی در دوره دوم ابتدایی» است.

مقدمه

«زیبایی و هنر، عامل تعالی انسانیت است و این‌گونه توصیف می‌شود: هنر نموده‌ها و جلوه‌های بسیار شگفت‌انگیز و سازنده حیات بشری است که حاصل حس زیبایی‌شناختی در انسان و یک نوع تجسم از واقعیت است و به نوعی محصول فکری بشر و برای تنظیم و بهره‌برداری از حیات جامعه قلمداد می‌شود» (جعفری، ۱۳۶۹، ص ۲۱). با توجه به اینکه هنر یک بعد مهم از ابعاد وجودی انسان است و در تعلیم و تربیت از اهمیت بالایی برخوردار است، کمتر مورد تأمل قرار گرفته است. کل نظام تعلیم و تربیت باید به زیبایی و هنر آمیخته شود زیرا اساساً از روش‌های موفق در آموزش این است که هر حقیقت شایسته برای فراگیری، باید به گونه‌ای ارائه شود که متعلم، آن را یکی از پدیده‌های برخاسته از ذات خود احساس کند و در یادگیری، فراگیر شخصاً نسبت به موضوع متعهد شده و تمام نیروهای انسان از قبیل تخیل، حافظه و ذهن به کار گرفته می‌شود (جعفری، ۱۳۶۹، ص ۱۶). رید^۱ بیان می‌کند، غایت تربیت آماده‌کردن فرد به عنوان یک هنرمند است (مهرمحمدی، ۱۳۸۹، ص ۳)، مهر محمدی این بیان حکیمانه را یک گام فراتر برده و بر این معنا تأکید کرده، که تعلیم و تربیتی که غایتش تربیت هنرمند است، باید با الهام از یک چشم‌انداز و انگاره هنری سامان داده شود. باید چشم‌ها را شست و تعلیم و تربیت را آن‌گونه دیده شود که نیل به آن کمال و کیفیتی که رید از آن سخن به میان می‌آورد، دست یافتنی باشد (مهرمحمدی، ۱۳۹۰، ص ۴). هنر و زیبایی از معدود موضوعات مشترکی است که مکاتب مختلف یادگیری (به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم) بر قابلیت‌های آن در یادگیری و آموزش اشاره کرده‌اند. در مکاتب رفتارگرایی^۲، شناخت‌گرایی^۳، ساختن‌گرایی^۴، انسان‌گرایی^۵ و نوروفیزیولوژیکی^۶، هنر اهمیت بالایی دارد.

1. Reed
2. Behaviorism
3. Cognitivism
4. Constructivism
5. Humanism
6. Neurophysiological

آموزش هنر^۱ در نظام آموزشی؛ باعث پرورش و افزایش سطح خلاقیت عمومی و یادگیری دانش‌آموزان می‌شود. همچنین، اعمال روش‌های آموزشی خلاق در آموزش‌های هنری باعث ارتقای کیفیت و توانایی‌های هنری می‌شود (برناتو^۲، ۲۰۰۸). آیزنر^۳ (۱۹۹۸) چهار پیامد بنیادی را برای آموزش هنری متصور است: الف) پرورش تفکر واگرا؛ ب) ایجاد وحدت بین شکل و محتوا؛ ج) تقویت قابلیت اکتشاف؛ د) پرورش توجه و توانایی افراد در مقابل مسائلی که به شیوه‌های مختلف قابل حل هستند. نتیجه پژوهش کترال، دومیس و همدن تامپسون^۴ (۲۰۱۲) درخصوص تأثیر آموزش هنر بر کودکان (مقایسه یافته‌های چهار پژوهش طولی معتبر)، نشان داد که آموزش هنر فارغ از طبقه اجتماعی کودکان؛ تأثیر بسزایی در عملکرد آن‌ها در مواجهه با مسائل مختلف دارد، به طوری که آموزش هنر در ابعاد وجودی انسان تأثیر بسزایی دارد.

نوع ارتباط، هنر و زیبایی‌شناسی به‌عنوان یک دیدگاه، هویت و مبنا برای برنامه درسی به‌شمار می‌رود که می‌توان از عالم هنر و زیبایی‌شناسی آموزه‌هایی را استخراج و در جریان برنامه‌ریزی درسی و تولید برنامه درسی از آن‌ها بهره برد (ملکی، ۱۳۹۷). آیزنر (۲۰۰۲) هنر را فرایندی می‌داند که در آن مهارت‌ها برای کشف اهداف و غایت‌ها در جریان امور مورد استفاده قرار می‌گیرند. معلمان هنرمند از انجماد آگاهی‌ها و دانسته‌های تربیتی خود در قالب رفتارهای مکانیکی و روتین از طریق توجه و اجازه ظهور دادن به امور خلاق و پیش‌بینی نشده اجتناب می‌ورزند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۲). آموزش از طریق هنر باعث افزایش توانایی دانش‌آموزان در یادگیری محتوا و فرایندهای دو یا چند حوزه موضوعی در محتوا می‌شود و همچنین، به دانش‌آموزان کمک می‌کند مهارت‌های تفکر انتزاعی و خلاق خود را که برای یادگیری لازم است، تقویت کنند (لیانگ^۵ و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۶۱۵).

مقدمات شکل‌گیری یک نهضت یا جنبش تربیتی در جهت احیای هنر در نظام‌های آموزشی، خصوصاً در کشورهای پیشرفته و صنعتی، فراهم شده است. انبوه مدارک و منابع علمی موجود (که

-
1. Art education
 2. Berenato
 3. Eisner
 4. Catterall Dumais & Hampden-Thompson
 5. Liang

عمدتاً طی دو دهه اخیر تولید و عرضه شده‌اند) زیرساخت مستحکم و استواری را، به لحاظ نظری، فراهم کرده‌اند؛ که در سایه استلزامات آنها، توجه و اهتمام عملی به تربیت هنری در نظام‌های آموزش و پرورش، خردمندانه و بالعکس، بی‌توجهی و بی‌مهری به آن، سیاستی غیر هوشمندانه و نابخردانه قلمداد می‌شود. گویی به نقش و جایگاه منحصر به فرد هنر، در دستیابی جوامع بشری به رشد و توسعه در ابعاد علمی، اقتصادی، صنعتی، اجتماعی، اخلاقی و... از نو توجه شده است؛ بر این اساس تربیت هنری که ضامن استفاده شایسته از ظرفیت هنر است، به یکی از کانون‌های توجه سیاست‌گذاران در عرصه اصلاحات نظام آموزشی بدل شده است. در پارادایم جدید تعلیم و تربیت، حفظ استانداردهای بالای آموزشی در گرو قرار دادن هنر و زیبایی‌شناسی در مرکز و هسته اصلی برنامه‌درسی یا اصلاح نظام آموزشی است. بسیار جای تأسف خواهد بود، اگر در اسناد حاوی سیاست‌های اصلاحات و تحول در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، جای پای «هنر»، که یک حوزه نیازمند توجه و تحول است، به‌روشنی دیده نشود و بدین ترتیب یکی از محورهای اساسی اصلاح از غفلت و بی‌مهری تاریخی رهایی نیابد (مهرمحمدی، ۱۳۹۷). با وجودی که هنر سابقه طولانی در فرهنگ کشور ایران دارد و با توجه به نقش مهم هنر و تربیت هنری در ابعاد مختلف، واقعیات نشان‌دهنده آن است که هنر هم‌عرض دروس دیگر (ریاضی، علوم و ادبیات و...) دیده نمی‌شود و از جایگاه شایسته در برنامه‌درسی مدارس برخوردار نیست.

با ورود جهان به هزاره سوم، آموزش و پرورش وارد دوران و عرصه جدیدی شد. اگرچه در خصوص اینکه به این دوران باید چه نامی نهاده شود، اتفاق نظر وجود ندارد، اما تقریباً با این نظر موافق وجود دارد که تعلیم و تربیت مانند جهان به میزان فزاینده‌ای تغییر یافته و یا در حال تغییر است. برخی این شرایط جدید را پست‌مدرن می‌نامند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۲). پست‌مدرنیسم، مهمترین جنبش فلسفی، فرهنگی و هنری روزگار معاصر است که در نیمه قرن بیستم، در واکنش به فلسفه و هنر مدرن و پیش‌فرض‌های آن به وجود آمد. این جنبش ریشه در فلسفه، معماری و هنر دارد، سپس، به دیگر حوزه‌های دانش و بحث‌های پژوهشی راه پیدا کرده است (خلج، ۱۳۸۶). اولین چیزی که درباره هنر امروز با مقایسه با حتی چند دهه گذشته جلب نظر می‌کند کثرت

بی سابقه سبک‌ها، فرم، تجارب و برنامه است. دیگر نمی‌توان تعداد محدودی متریکال^۱ (ماده) خاص را به عنوان رسانه هنری نام برد: نه تنها رنگ روغنی، که فلز و سنگ و حتی سنتی که هنر بودن یک اثر را تضمین می‌کردند، دیگر رنگ باخته‌اند. هوا، نور، صدا، کلمات، مردم، زباله، چیدمان‌های چند رسانه‌ای و هر چیز دیگری در هنر امروز حضور دارد و آن تکنیک‌ها و روش‌های سنتی که هنر بودن یک اثر را تضمین می‌کردند، دیگر رنگ باخته‌اند (آرچر^۲، ۱۳۹۶). با توجه به این ویژگی‌ها به نظر می‌رسد می‌توان با استفاده از فضای منعطف در هنر پست‌مدرن موقعیت‌های یادگیری بسیاری را در فضاهای یادگیری ایجاد کرد و محیط‌های آموزشی را غنا بخشید.

با توجه به اهمیت هنر در تعلیم و تربیت در دنیای امروز بهتر است رویکردهای جدیدی را در حوزه برنامه‌داری مدارس ایجاد کنیم، همان‌طور که دیویی^۳ (۱۳۹۱) در کتاب هنر به منزله تجربه بیان می‌کند، هنر باید به صورت دل‌مشغولی اساسی در تمام موضوعات درسی درآید. به نظر می‌رسد این رویکردها می‌تواند با الهام از هنر زمانه ما و تلفیق برنامه‌داری با هنر دوران معاصر شکلی منعطف و رویکردی گسترده در تمام برنامه‌داری درسی به خود بگیرد. از همین رو، در این پژوهش با نگاهی گسترده به هنر پست‌مدرن به دنبال ساخت مدلی از برنامه‌داری مبتنی بر هنر معاصر شدیم تا بتوانیم برنامه‌داری را یک‌بار دیگر با هویتی به‌روزشده در بستر هنر ارائه کنیم و برنامه‌ای را برای اجرا فراهم آوریم که فضای کلاس‌های دوره دبستان را با هنر معاصر تبدیل به کلاس‌هایی با خلاقیت و نوآوری دوبرابر کنیم تا دانش‌آموزان اجازه ابزار و بروز خلاقانه‌ای داشته باشند و معلمان نیز با روش‌های نوین و خلاقه بیشتری مطالب خود را در کلاس ارائه دهند و فضای یادگیری را فضایی تعاملی و خلاقه کنند و لذت یادگیری را در کلاس‌ها دوبرابر کنند. در تدوین این مقاله با توجه به اهمیت هنر در برنامه‌داری و با توجه به عصر حاضر (پست مدرن)، به اصول، رویکردها، ویژگی‌ها و شیوه‌های هنر مفهومی^۴ (از هنرهای دوره پست مدرن^۵) برای تلفیق آن در برنامه‌داری دوره دوم ابتدایی پرداخته می‌شود.

-
1. Material
 2. Archer
 3. Dewey
 4. Conceptual art
 5. Postmodern art

نظام‌های تعلیم و تربیت همواره در جست‌وجوی راه‌هایی برای ارتقای کیفیت و اثربخش‌تر کردن فعل و انفعالاتی هستند که تربیت و شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان را هدف قرار داده است. هنر، بستر منحصر به فردی برای تحقق بخشیدن به کیفیت‌های بسیار مهم و مغفول در تعلیم و تربیت است (مهرمحمدی، ۱۳۹۰ ب).

از ۲۷۰ سال پیش تا کنون اندیشمندان تعلیم و تربیت در جهان به اهمیت تلفیق هنر با برنامه درسی پی برده‌اند. برای مثال، در سال ۱۷۴۹ بنجامین فرانکلین^۱ از گنجاندن درس هنر در برنامه درسی مدارس به دلایل ابزاری-کاربردی دفاع کرد. در سال ۱۹۱۱ دایره‌المعارف تعلیم و تربیت، اولین مقاله در زمینه آموزش هنر را که با شرح و بسط بیشتری مطرح شد، به چاپ رساند. در سال ۱۹۲۵ مؤسسه کارنگی^۲ از گزارشی که در زمینه نقش هنر در تعلیم و تربیت تهیه شده بود، حمایت و از موضع افزودن بر محتوای هنر در مدارس پشتیبانی می‌کند. در سال ۱۹۲۷ انجمن ملی تعلیم و تربیت در نشست سالانه خود در شهر دالاس^۳ در ایالات تگزاس، هنر را به منزله یک مبحث اساسی در تعلیم و تربیت به رسمیت می‌شناسد. در سال ۱۹۳۸ «لئون لویال وینزلو»^۴ رئیس بخش هنر مدارس شهر بالتیمور، کتاب *برنامه تلفیقی هنر مدارس* را منتشر و در آن نشان داد که استفاده از هنر به منزله یک کاتالیزور در یادگیری موضوعات درسی (علمی) ضروری است. الیوت آیزنر^۵ (۱۹۶۵)، تربیت زیبایی‌شناسی را آموزش و پرورش انسان‌ساز و تعالی‌بخش در هنرها و از طریق هنرها تلقی کرد. به نظر او، برای دستیابی به اهداف این نوع از آموزش و پرورش باید ایده‌هایی از طریق واکاوی نه فقط علوم رفتاری، بلکه تاریخ و فلسفه هنر تولید شوند (مهرمحمدی، ۱۳۹۷).

همچنین، در کنفرانس جهانی یونسکو (۲۰۰۶) سه مجمع علمی شامل، انجمن بین‌المللی تربیت در حوزه نمایش، جامعه بین‌المللی تربیت از طریق هنرها و جامعه بین‌المللی برای تربیت موسیقیایی شرکت داشتند و یک اعلامیه مشترک را به تصویب رساندند. مضامین این اعلامیه در ذیل می‌آید:

1. Benjamin Franklin
2. Carnegie Institution
3. Dallas
4. Leon Loyal Winslow
5. Elliot Eisner

- جایگاه منحصر به فرد تربیت هنری در شکل‌گیری فرهنگ صلح، فهم بین‌المللی، انسجام اجتماعی و توسعه پایدار؛
- جوامع دانش‌محور و فراصنعتی امروز نیازمند شهروندانی هستند، برخوردار از هوش‌های منعطف قابل اعتماد، مهارت‌های خلاق کلامی و غیر کلامی ارتباطی، قابلیت تفکر انتقادی و خیال‌پردازانه، فهم میان‌فرهنگی و تعهد همدلانه به تنوع فرهنگی؛
- دستیابی به قابلیت‌های یادشده از طریق فرایند یادگیری و کاربست زبان‌های هنری امکان‌پذیر است؛
- هنرها فرصت‌های منحصربه‌فردی را در اختیار جوانان قرار می‌دهند تا هویت‌های فردی و فرهنگی خویشان را بفهمند و بیافرینند.
- هنرها محرک مطالعات میان‌فرهنگی و تصمیم‌گیری مشارکتی بوده و به جوانان برای درگیر شدن در فرایند یادگیری فعال و پرسشگری خلاق انگیزه می‌دهند.
- در ادامه، در کنفرانس جهانی آموزش هنر که در سال ۲۰۰۶ در لیسبون پرتغال^۱ برگزار شد، نقشه راه آموزش هنر با هدف تعیین نقش آموزش هنر در آگاهی خلاقانه و فرهنگی در قرن ۲۱ بنیان نهاده شد.
- با توجه به رویکردهای مطرح درخصوص گنجاندن آموزش هنر در برنامه درسی مدارس سؤال مهمی که پیش می‌آید آن است که کدام هنر و با چه رویکردی؟ به نظر می‌رسد آنچه ما از هنر انتظار داریم درک زیبایی‌شناسانه و خلاقانه از مسائل روز است. آنچه می‌تواند درک ما از پیرامونمان بالا ببرد نه تنها هنرهای سنتی که به‌عنوان میراث فرهنگی است بلکه هنر معاصر است هنری که برگرفته از متن پیچیده زندگی زمانه ما است. دوره معاصر، دوره پست‌مدرن است.
- «چارلز جنکنز»^۲ در مورد دوره پست‌مدرن می‌گوید: این عصر، زمان انتخاب‌های متعدد و مدام در حال رشد است. دوره‌ای که هیچ روش تثبیت شده‌ای را نمی‌توان با بی‌خودآگاهی و کنایه دنبال کرد؛ زیرا به نظر می‌رسد، تمامی سنت‌ها به نوعی اعتبار دارند. بخشی از این پدیده حاصل همان

1. Lisbon Portugal

2. Charles Jencks

چیزی است که به آن انفجار اطلاعاتی می‌گویند؛ دوره دانش سازمان‌یافته، ارتباطات جهانی و سایبرنتیک (جنکنز^۱، ۱۳۷۵).

«اسلاتری»^۲ مهمترین ویژگی‌های عصر پست‌مدرن را اینگونه برمی‌شمرد (اسلاتری، ۱۳۹۶):

نظریهٔ پسانسان‌مدار^۳: یعنی زندگی در هماهنگی با طبیعت، نه بهره‌کشی از آن.

حس پسارقابت^۴: تأکید بر همکاری به جای استقلال.

عقیدهٔ پسانظامی‌گرایی^۵: حل تعارضات و اختلافات با پیشرفت هنر مذاکرهٔ صلح‌آمیز.

نظریهٔ پساپدرسالاری^۶: تأکید بر برابری زنان و مردان.

دیدگاه پسااروپامحوری^۷: احترام به همهٔ فرهنگ‌ها نه فرهنگی خاص.

باور پساعلمی^۸: با وجود اهمیت داشتن روش‌های علمی بینش‌های اخلاقی، مذهبی و زیبایی-

شناسانه نیز وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.

مفهوم پسانضباطی^۹: توجه به دیدگاه بوم‌شناختی وابسته به هم از جهان هستی در برابر نظریهٔ

ماشینی مدرن برای کنترل عالم.

دیدگاه پساناسیونالیستی^{۱۰}: هشیاری جهانی با رفاه و سعادت برای تمامی بشر در کرهٔ زمین به‌جای

فردگرایی ناسیونالیستی و ملی‌گرایی.

گذار از تولید جمعی به تولید قطعه‌ای، از یک فرهنگ جمعی نسبتاً منسجم به مذاق فرهنگ‌های

خرده‌شده، از کنترل مرکزی در دولت و تجارت به تصمیم‌گیری جنبی، از تولید تکراری اشیای متشابه

به تولید اشیایی متفاوت و با دگرگونی‌های سریع، از سبک‌های محدود به گونه‌های بسیار، از شعور

ملی به شعور جهانی و در عین حال به هویت محلی و ... تغییرات بسیار دیگر. اصولاً به دورهٔ

1. Jencks

2. Slattery

3. Post- anthropocentric

4. Post- competitive sense

5. Post- militaristic belief

6. Post- patriarchal vision

7. Post- Eurocentric view

8. Post- scientist belief

9. Post- disciplinary concept

10. Post- nationalistic view

جدیدی از نظام فرهنگی و اجتماعی وارد می‌شویم، که ویژگی‌های متعددی بر آن حاکم است. این دوره که از دید اندیشمندان این حوزه با نام پست‌مدرن بیان شده است و سه ویژگی مهم این دوران که ناظر به نقاط بحران در مدرنیسم است شامل: ۱. خارج کردن فاعل شناسایی از نقطه مرکزی و اساسی، به عبارتی تأکید بر مسائل ناخودآگاه و اجتماعی؛ ۲. توجه به زبان (معنای واژگان وابسته به زمینه)؛ ۳. نفی کلیت‌ها (توجه به دیگران، اهمیت به غیریت و تنوع فرهنگی) است (باقری، ۱۳۷۵). در دهه ۱۹۶۰ (شروع پست‌مدرن) سه جریان نوین هنری به وجود آمد که هنر مدرنیستی را به چالش کشید. این سه جریان هنری: «هنرپاپ، هنرمینیمال و هنر مفهومی» می‌باشد. هنر مفهومی در دوره پست‌مدرن پس از دو جریان قبلی مطرح شده است. هنر مفهومی با طرد دیدگاه سنتی، زمینه را برای درک نوینی از هنر و فرایند آفرینش هنری فراهم کرد. اعتبار اثر هنر مفهومی، به خارج از آن، پس‌زمینه، هویت و ارائه اندیشه در آن است (در هنر مدرنیستی ارزش اعتبارش به اثر هنری است). هنر مفهومی با توجه به شرایط حال، نگاه به آینده و رهیافتی برای هنر فردا دارد ولی هنرمدرن نگاه به گذشته و دستاوردهای گذشته دارد (سمیع آذر، ۱۳۹۶).

هنر مفهومی در بین هنرهای پست‌مدرن به دو دلیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که عبارت‌اند از: ۱. هنر مفهومی بر خلاف هنرهای پیشین بر جنبه زیباشناسانه بصری و تزئینی متمرکز نیست و بیشتر برای این نوع از هنر داشتن تجربه هنری به منزله نوعی شوک برای بیدارساختن انسان درباره مسائلی است که تاکنون به آن‌ها فکر نشده بود و قراردادن او در معرض تجربه‌های بی‌بدیلی که پرسش‌هایی درباره مسائل پیش روی او می‌گذارد. ۲. نکته بااهمیت دیگر در هنر مفهومی جنبه فرامادی پشت اثر هنری است و به همین دلیل از اصول ساده زیبایی‌شناسی به سمت نوعی نگرش فکری حرکت می‌کند. در این هنر فرهنگ اجتماعی^۱ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به عبارتی، وجود نگرش خلاق در درون جامعه، هنرمند را وادار به کنش هنری می‌کند (افهمی، ۱۳۹۸). جنبه‌های مطرح در هنر مفهومی که مشخصاً ارتباط تنگاتنگی با موضوع تجربه و فرصت‌های یادگیری، خلاقیت و فرهنگ اجتماعی دارد و می‌توان آن را به عنوان بخشی مطرح در تدوین الگوی برنامه درسی دوره ابتدایی داشت.

1. Social culture

رسالت آموزش ابتدایی در تربیت اجتماعی منحصر است، یعنی آموزش ابتدایی برای کاهش فردیت و تشکیل جامعه، تلاش می‌کند. حاصل این دوره آن است که اجزای منفرد به کل متشکل واحد تبدیل می‌شوند. این رسالت در قالب پیگیری هدف‌هایی چون فراهم کردن شرایط کسب شایستگی تحصیلی، فراهم کردن شرایط کسب شایستگی شهروندی، فراهم کردن شرایط کسب شایستگی حل مسئله یا شایستگی تدبیر است. براساس آنچه به‌عنوان هدف‌های اصلی آموزش ابتدایی بیان شد، می‌توان وظایفی را برای آموزش ابتدایی ترسیم کرد که عبارت‌اند از: گسترش احساس تعلق، گسترش نظام ارزش‌ها، انتقال میراث فرهنگی، زمینه‌سازی برای یادگیری مداوم، نقش نگهداری (حفظ) و نقش استعدادیابی و زمینه‌سازی تمرکز بر آن هستند (موسی‌پور، ۱۳۹۷).

در نظام آموزشی ایران چالش‌هایی از قبیل: بی‌انگیزگی دانش‌آموزان نسبت به درس و مدرسه، بی‌علاقه‌بودن دانش‌آموزان به یادگیری، خوشحالی از تعطیلی مدرسه به هر دلیل، فراموشی مطالب یادگرفته شده، دوربودن آموزش و پرورش از واقعیت‌های زندگی، نداشتن مهارت برای زندگی در قرن حاضر و... نشان می‌دهد نظام آموزش و پرورش ما کارآیی لازم را در عصر حاضر ندارد. هنر مثل برنامه‌درسی، فرایند زیننده‌بودن و خلق مجدد در هر موقعیت جدید است (اسلاتری، ۱۳۹۶) «هنر» یکی از حوزه‌هایی است که به عنوان یک هویت یا دیدگاه مهم به غیر از سه منبع سنتی (یادگیرنده، علم و جامعه) در مطالعات برنامه‌درسی، از قرن بیستم، توسط اندیشمندان متعدد مانند، دیویی (۱۹۳۴)، وایتهد^۱ (۱۹۵۵)، برودی^۲ (۱۹۷۲)، گرین^۳ (۱۹۸۴)، آیزنر (۱۹۹۸، ۲۰۰۸)، لوسی اسمیت^۴ (۲۰۰۴، ۲۰۰۸)، مهرمحمدی (۱۳۸۰، ۱۳۸۳، ۱۳۸۶، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲) و... مطرح و آثار مثبت آن در یاددهی و یادگیری مشخص شده است.

با توجه به اینکه، نگاه غالب و رایج برنامه‌درسی در نظام آموزشی ما یک نگاه متمرکز، دارای ساختار سازمان‌یافته، خطی و فنی است که به ابعاد هنری کمتر توجه شده است، این کم‌توجهی به رویکرد هنری باعث پوچی تحصیلات مدرسه‌ای، نارکارآمدی مهارت‌آموزی و بی‌رغبتی دانش‌آموزان

1. Whitehead
2. Broudy
3. Green
4. Smite

و عدم توفیق در انتقال ارزش‌ها، آموزه‌های اخلاقی و دینی شده است. با وجودی که متخصصان برنامه درسی، تلفیق هنر در برنامه درسی را لازم و ضروری می‌دانند، اما این رویکرد در تغییرات برنامه درسی و اجرا مورد بی‌مهری واقع شده است. برای نیل به این مقصود باید کودکان را طوری پرورش داد که بتوانند درست حس کنند، دریافت کنند، آنچه را که دریافت کرده‌اند با استفاده از معیارهای مختلف تحلیل و ارزیابی کنند و در نهایت برای در انداختن طرح‌های نو در عصر پست‌مدرن با ویژگی‌های خاص خود، بشر بیش از هر زمان دیگری نیازمند تنوع و تکثر در انتخاب‌های خود است، که بتوانند دانسته‌های خود را به کار گیرند.

همچنین، در سند ملی برنامه درسی کشور برای دوره دوم ابتدایی ساحت‌هایی از اهداف را در نظر گرفتند که این ساحت‌ها شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت زیبایی‌شناسی و هنری، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی می‌باشند (مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش).

همان‌طور که از بررسی تعریف و اهداف این دوره مشاهده می‌شود به نظر می‌رسد که داشتن رویکرد هنری و استفاده از مقوله‌های هنری می‌تواند به غنا بخشیدن برنامه درسی در این دوره کمک شایانی کند. قابل ذکر است که با توجه به بررسی‌های انجام شده در پژوهش‌های داخلی و خارجی، پژوهش مستقلی در خصوص برنامه درسی مبتنی بر هنر پست‌مدرن و برنامه درسی مبتنی بر هنر مفهومی چه به لحاظ نظری و چه به صورت تجربی یافت نشد. اما پژوهش‌های متعددی در رابطه هنر با برنامه درسی به دو گونه آموزش هنر و آموزش مبتنی بر هنر مورد بررسی قرار گرفته است. البته بیشتر مطالعات در رابطه با آموزش هنر است. اندیشمندانی چون اسمیت (۲۰۰۸) و مهرمحمدی (۱۳۹۰) با عنوان «تبیین چرخش زیباشناسانه در تعلیم و تربیت: درس‌های خرد و کلان برای بهبود کیفیت آموزش با الهام از عالم هنر»، وایتهد (۱۹۵۵)، با عنوان: «اهداف آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت را هنر کاربرد دانش»، جان دیویی (۱۹۳۶) با کتاب هنر به مثاب تجربه، دهداری و دهدار (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «برنامه درسی و هویت پست مدرن»، اسلاتری (۱۳۹۶) در کتاب: «برنامه‌ریزی درسی در عصر پست‌مدرن»، باقری (۱۳۷۵) در پژوهشی با عنوان «تعلیم و تربیت در

منظر پست‌مدرنیسم»، تأکید بر رابطه هنر با آموزش داشته‌اند و تأثیرات این دو را در زمانه پست‌مدرن بررسی کردند. با توجه با پژوهش‌های صورت‌گرفته به نظر می‌رسد که مقوله هنر در زمانه ما جزء لاینفک و دلیل برون‌رفت ما از بحران‌های قرن بیستم است. همان‌طور که جان دیویی در کتاب خود، کل زندگی و کل فرایند تربیت را به صورت تجربه هنری و زیبایی‌شناسی می‌داند و رابطه علم و هنر را در فرایند تدریس و یادگیری تلفیقی می‌داند. با توجه به تأکیدات و اشاراتی که در حوزه اهمیت تلفیق هنر با برنامه درسی توسط اندیشمندان مختلف مطرح است به نظر می‌رسد این تلفیق تنها در بستر مبانی و طراحی الگوهای برنامه درسی اتفاق می‌افتد جایی که تمام رویکردها و مبانی مطرح در برنامه درسی از آنجا شکل می‌گیرند. منظور از مبانی برنامه‌ریزی درسی آن دسته از نیروهای بنیادی و اساسی است که بر برنامه‌های درسی، اهداف و محتوای آن اثر گذاشته و در ادبیات برنامه‌ریزی درسی از آن با عنوان «عوامل تعیین‌کننده برنامه درسی» نام برده می‌شود (زایس^۱، ۱۹۷۶). برنامه درسی به‌عنوان یک واقعیت، از اجزایی (عناصری) تشکیل می‌شود. اینکه اجزا یا عناصر برنامه درسی شامل چه مواردی هستند، بر اساس تبیین‌های متفاوت از برنامه‌ریزی درسی و از برنامه درسی، نظرات متعددی را شکل داده است. اگر (۲۰۰۳) به عناصر نه گانه کلاین^۲، عنصر منطق و چرایی (نقش محوری) را اضافه کرد. عناصر و پرسش‌های جهت‌دهنده الگوی اگر شامل منطق، هدف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، معلم، مواد و منابع، گروه‌بندی، مکان، زمان، ارزشیابی است که در هر بخش با توجه به نوع برنامه و منطق انتخابی در برنامه درسی این عناصر به عنوان برنامه معرفی می‌شوند (موسی‌پور، ۱۳۹۷).

برنامه درسی مبتنی بر هنر، شناخت ظرفیت‌ها و قابلیت‌های هنر و امکان‌پذیر بودن تلفیق آن با تعلیم و تربیت در حکم پارادایمی جدید (تربیت از منظر هنر) بیان می‌شود. در «تربیت از منظر هنر» کیفیاتی مورد بحث قرار می‌گیرد که با الهام از عالم هنر برای ابعاد گوناگون تعلیم و تربیت قابل توصیه و تجویز است. بهره‌گیری از هنر در ظرفیت تعدیل یا تصحیح نگاه به کل جریان تعلیم و تربیت و دستیابی به چشم‌انداز، فلسفه یا پارادایمی نو است (مهرمحمدی، ۱۳۹۰ ب).

1. Zais
2. Kelin

در پژوهش‌هایی تأثیر آموزش مبتنی بر هنر پست‌مدرن و رویکرد پساساختارگرایانه (ابژه‌بودن هنر) بررسی شده است و نتایج مثبت و معنادار آن در آموزش تأیید شده است. از جمله لاجویک^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی با رویکرد پساساختارگرایی و کیفی با روش مطالعه موردی انجام شده است. نتایج حاکی از این است که: معلمان ابتدایی تلفیق هنر را درک کردند و با اجرای آن متوجه شدند هنر فقط هنرهای تزئینی نیست، بلکه ترکیبی از هنرها است. این پژوهش آموزش مفاهیم، تلفیق هنر و توسعه برنامه درسی را برای معلمان دارد. هال (۲۰۱۶) پژوهشی انجام داد. در این پژوهش با توجه به فقدان خلاقیت در مدارس انگلستان و به حاشیه رانده شدن هنر و یادگیری فرهنگی در برنامه درسی، مشارکت هنرمندان در ترویج فرهنگ‌ها و روش‌های مختلف به معلمان، باعث ارتقای هنر و خلاقیت در دانش‌آموزان شد. در این مطالعه، ۱۲ شیوه آموزشی هنرمندان کشف و در آموزش ابتدایی استفاده شد. این شیوه‌ها در پنج عنوان گروه‌بندی شد، که عبارت‌اند از: مدیریت زمان و فضا توسط هنرمندان و استفاده از مکان‌های خارج مدرسه / کاربرد زبان و داستان / ایجاد تجربه‌های خاص برای تحریک علاقه و هیجان / تشویق به هنرمند شدن / ارزش برای تلاش‌های گروهی توسط بازی. نتیجه تلفیق روش‌های تدریس هنرمندان در آموزش، چهار ستون بنیادی آموزش یونسکو (یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام دادن، یادگیری برای بودن و یادگیری با همدیگر) را در پی داشت.

هر یک از متخصصان برنامه درسی که به طرح ایده‌های خود در رابطه با دانش فنی و یا ارزشی پرداخته‌اند، تعریفی متفاوت از مفهوم برنامه درسی داشته و به طور طبیعی جهت‌گیری متفاوتی را از نظر منبع اطلاعاتی، یا ساختاری پیش روی طراح قرار داده‌اند. الگوهای طراحی شده نیز به دلیل نوع دانش فنی و ارزشی منتخب طراح، مرتبط به این جهت‌گیری‌ها خواهند شد. بنابراین، جهت‌گیری‌های حاصل از «منبع اطلاعاتی» و «ساختار» مورد نظر طراح را (به عنوان مهمترین وجه ممیزه الگوها)، ملاک مناسبی برای دسته‌بندی الگوهای حوزه برنامه درسی دانسته و به جهت ارائه عنوان‌های موجه برای چنین طبقه‌بندی، از مفاهیم رایج در بین متخصصان الهام گرفته‌اند (شالیان و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۷۰).

پوزنر^۱ معتقد است طراح الگوی برنامه درسی در واقع در صدد پاسخ‌گویی به یکسری سؤال‌هاست (شالیان و همکاران):

- سؤال‌های رویه‌ای: چه قدم‌هایی بایستی در برنامه ریزی درسی یک برنامه درسی برداشته شود؟

- سؤال‌های توصیفی: چگونه یک دوره تحصیلی به طور واقعی باید طرح‌ریزی شود؟

- سؤال‌های مفهومی: عناصر برنامه‌ریزی درسی کدامند؟ چگونه از نظر مفهومی با یکدیگر مرتبط می‌شوند؟

- سؤال ایدئولوژیک: چه ارزش‌هایی در طراحی برنامه درسی باید مورد نظر قرار گیرد؟

طراحی الگوهای برنامه درسی می‌تواند پاسخ به یکی یا بیشتر این سؤال‌ها باشد که در واقع رویکرد الگو را مشخص می‌کند. هدف پژوهش با ماهیت بنیادی، خلق طرح الگوی مفهومی با هویت مورد نظر است که با این نوع طراحی الگو، برنامه درسی با هویت جدید را قابل درک و فهم می‌کند. رویکرد طراحی الگوی این پژوهش به روش «مفهومی» است. **طرح‌واره مفهومی**، عناصر اساسی واقعیت و رابطه میان آن‌ها را مشخص می‌کند. در خلق طرح‌واره مفهومی معمولاً دو مفهوم تصریح می‌شود: «مفاهیم اساسی» (عناصر یا مؤلفه‌های سازنده واقعیت) و «مفاهیم ساختاری» (روابط شناسایی شده میان این عناصر) که مجموعه کلی این مفاهیم (اساسی و ساختاری) طرح‌واره مفهومی را خلق می‌کند (شورت^۲، ۱۳۹۴)

پرسش‌های پژوهش

سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: «کدام الگوی برنامه درسی که مبتنی بر هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی است، می‌تواند برای دوره دوم ابتدایی ارائه شود که دارای اعتبار باشد؟» به دنبال پاسخ‌گویی به سؤال اصلی پژوهش، سؤال‌های ویژه زیر مطرح است:

۱. الگوی برنامه درسی مبتنی بر هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی برای دوره دوم ابتدایی، دارای چه ساختار و فرایندی است؟

۲. اعتبار نظری الگوی پیشنهادی برنامه درسی مبتنی بر هنر پست مدرن با تأکید بر هنر مفهومی برای دوره دوم ابتدایی، چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

برای فهم و تجزیه و تحلیل داده‌ها و پاسخ به سؤال اول پژوهش، از روش تلفیقی سنتزپژوهی استفاده شده است. این روش به منظور دستیابی به دانشی است که بتواند به برنامه‌ریزی و اتخاذ تصمیم‌های عملی کمک کند (شورت، ۱۳۹۴) و به دنبال عملیاتی کردن این روش، قابلیت جمع‌آوری یا تراکم نظام‌مند دانش‌های تولید شده پیشین را دارد (چالمرز، هجز و کوپز^۱، ۲۰۰۲). سنتزپژوهی در تلفیق یافته‌های پژوهش‌هایی است که به دنبال پاسخگویی به سؤالات پژوهشی مشترک است. در سنتزپژوهشی سه نوع پژوهش داریم که در این پژوهش از نوع‌های دوم و سوم استفاده شده است.

در سنتزپژوهشی نوع دوم ضمن انتخاب تمامی مطالعات انجام‌شده درباره موضوعی خاص، آن‌ها را یک‌به‌یک مرور و به‌نحوی سازمان‌دهی می‌کند که بتواند برحسب سؤال‌های مختلف و در عین حال مرتبط، به تفکیک و نیز مقایسه آن‌ها بپردازد و سپس، الزامات مربوط به دانسته‌ها و آنچه که هنوز نیاز به مطالعه دارد را تحلیل و ترسیم کند، و در ادامه از سنتزپژوهشی نوع سوم، از پژوهش تلفیقی، بیشتر بر نیازی خاص به دانشی ویژه برای کاربر یا گروهی از کاربران متمرکز است. وارد^۲ (۱۹۸۳) برای نوع سوم از روش سنتزپژوهی الگویی مشتمل بر چهار مرحله، ارائه کرده است: ۱. تدوین چارچوب، ۲. تعیین جزئیات و الزامات، ۳. مروری بر پیشینه و تعامل با کارشناسان و ۴. دستیابی کارشناسان به نوعی اجماع درباره ترکیب (شورت، ۱۳۹۴). پژوهشگر در این پژوهش از روش‌های دوم و سوم برای ارائه الگو استفاده کرده است. انجام‌دادن یک پژوهش که حاصل سنتز یافته‌های دیگر پژوهش‌ها باشد دارای شش مرحله است که پژوهش حاضر بر مبنای این شش مرحله پیشرفته، که حاصل تلفیق روش‌های دوم و سوم در سنتزپژوهی است. این شش مرحله در جدول ۱ به اختصار نمایش داده شده است.

1. Chalmers, Hedges & Cooper

2. Ward

جدول ۱. مراحل انجام سنتز پژوهی

مراحل	توضیحات در مورد پژوهش حاضر
مرحله اول: تعیین پژوهش‌هایی که مقرر است از یافته‌های آنان استفاده شود.	نوع اسناد دست اول شامل کتاب‌های منتشر شده در حوزه انواع هنرهای پست-مدرن که با توجه به مرتبط بودن سؤالات پژوهش انتخاب شده‌اند و نقد و بررسی آثار هنرمندان دوره پست‌مدرن توسط مشاوران هنری پژوهش صورت گرفت.
مرحله دوم: انتخاب انواع هنرها و اسناد مرتبط با آنها و مرور آنها	کل متن اسناد بررسی شد و مکاتب مرتبط با هنرهای پست‌مدرن و انواع هنر مفهومی انتخاب شدند.
مرحله سوم: تحلیل مفاهیم برآمده از بررسی انواع هنرهای مفهومی	گرایش‌های انتخاب شده از هنر مفهومی تحلیل شدند و تعریف‌ها و ویژگی‌های هر یک به عنوان گزاره‌های برآمده از مطالعات استخراج شد.
مرحله چهارم: سنتز یا خلق چیزی جدید از عناصر جدا از هم	پخش یافته‌های اسناد منتخب درباره هنر مفهومی سپس با بازخوانی‌های مکرر و دقیق و همچنین، مقایسه یافته‌های مشابه و متناقض (با کدگذاری رنگی متفاوت)، دسته‌بندی این داده‌ها در ذیل مضامین بزرگ‌تر انجام شد.
مرحله پنجم: مرور مقوله‌های به دست آمده و طراحی الگوی برنامه‌درسی	مقوله‌های اصلی و فرعی به دست آمده با ارکان طرح شخصی سازی تلفیق شدند و الگوی برنامه‌درسی مبتنی بر هنر مفهومی در دوره ابتدایی برای اجرا در سطح خرد (کلاس درس) با رویکرد شخصی سازی طراحی شد.
مرحله ششم، دستیابی کارشناسان به نوعی اجماع در مورد ترکیب	الگوی طراحی شده برای متخصصان حوزه برنامه‌درسی، اندیشمندان حوزه هنر، و معلمان دوره ابتدایی ارسال شد و از روش دلفی ^۱ برای اعتباریابی الگوی به دست آمده استفاده شد. ملاحظات ارائه شده از سوی متخصصان در الگو قرار گرفت و مجدد الگو برای بازبینی و تأیید ارسال شد.

در همین راستا، متون و مقالات در حوزه هنر پست‌مدرن مانند: سل لویت^۲ (۱۹۶۷)، ویلمت^۳ (۱۹۹۳)، شکنر^۴ (۱۹۹۴)، کاپرو^۵ (۱۹۵۶)، آرچر (۱۳۹۶)، آذربورن^۶ (۱۳۹۰)، اخگر (۱۳۹۶)، افهمی (۱۳۹۸)، امیرحاجبی (۱۳۹۸)، بابایی (۱۳۹۲)، بخشی (۱۳۸۴)، رویین پاکباز (۱۳۸۷)، خوش نظر و

1. Delphi method
2. Soll Lewitt
3. Wilmeth
4. Schechner
5. Capro
6. Osbourne

نادعلیان (۱۳۸۸)، دامون (۱۳۹۷)، دانشگر و سنجی (۱۳۹۶)، دلداده (۱۳۹۱)، راش^۱ (۱۳۸۹)، رحیمی (۱۳۸۵)، رهبرنیا و داوری (۱۳۹۴)، سعیدی کیاسری (۱۳۹۰)، سمیع آذر (۱۳۹۶)، قلعه (۱۳۸۹)، گلدبرگ^۲ (۱۳۸۸)، لوسی اسمیت^۳ (۱۳۹۶ و ۱۳۸۴)، لیتن^۴ (۱۳۸۲)، ماروزونا^۵ (۱۳۹۶)، ملکی و بهشتی (۱۳۹۸)، و هرمن^۶ (۱۳۹۳) بررسی شدند و سپس تمامی یافته‌های اسناد منتخب درباره هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی استخراج شد و با هم ترکیب شدند و با بازخوانی‌های مکرر و مقایسه یافته‌های مشابه و متناقض (با کدگذاری با رنگ‌های مختلف) دسته‌بندی داده‌ها در دو بخش مقوله‌های اصلی و فرعی انجام پذیرفت و از این مقوله‌ها در طراحی برنامه درسی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش براساس پرسش‌های پژوهش به شرح زیر است:

سؤال فرعی اول: الگوی برنامه درسی مبتنی بر هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی برای

دوره دوم ابتدایی، دارای چه ساختار و فرایندی است؟

در پاسخ به این سؤال یافته‌های پژوهش شامل دو بخش خردتر شد که بخش اول شناسایی مؤلفه‌های حاکم بر هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی بود و بخش دوم فرایند شکل‌گیری تعاملات بین عناصر برنامه درسی مبتنی بر هنر مفهومی بود که یافته‌ها در الگوی برنامه درسی اکر ارائه شد. در پاسخ به بخش اول این سؤال، ابتدا چهار هنر مطرح در پست‌مدرن (هنر پاپ، هنر مینیمال، هنر محیطی و هنر مفهومی) بررسی شد. سپس، هنر مفهومی از بین چهار هنر به دلیل پرداخت بهتر و گونه‌های مختلف این هنر مورد پژوهش قرار گرفت. در هنر مفهومی ۱۵ نوع هنر تجربه‌شده مطرح شده است، که شامل هنرهای زمینی، خاکی، عکاسی، چیدمان، حاضر و آماده، ویدئو، فرایندی، اجرا، بدن، کنشی و بدن، زبان، روایتی، اتفاق، پردازشی و زیاله است.

-
1. Rush
 2. Goldberg
 3. Lucie-Smith
 4. Lynton
 5. Marzona
 6. Herman

در این مرحله با توجه به مفاهیم تحلیل‌شده مرحله قبل و استخراج ۲۴۲ گزاره، ۳۹ مقوله اولیه از بین مقوله‌های پرتکرار، تأکید شده و مشترک و سپس، ۳۶ مقوله ثانویه (فرعی) و در نهایت، ۹ مقوله اصلی با روش سنتز پژوهی از تجمیع مقوله‌های ثانویه استخراج شده است. جدول ۲ نشان‌دهنده مقوله‌های اصلی و فرعی هستند.

جدول ۲. جدول مقوله‌های اصلی و فرعی هنر بست‌مدرن و هنر مفهومی

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
استفاده از هنر در بستر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی	ارتباط هنر با مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توجه هنر به تمایلات انسانی، حال و آینده و تغییر بشر در رابطه با مسائل جامعه و مسائل سیاسی و فرهنگی
نگاه انتقادی و توجه به نقد به منظور تغییر ادراک	نگاه نقادانه به وجوه هنر مدرن نقد مسائل اجتماعی توسط هنر نگاه نقادانه به مسائل اجتماعی به منظور تغییر درک
توجه به زیبایی‌شناسی فرهنگی و فرافرهنگی در گروه‌های اجتماعی	توجه هنر به فرهنگ‌های مختلف در جامعه توجه به دیگری و فمینیسم در جامعه
بستر هنر برای ظهور خلاقیت و نوآوری در مسیر توسعه پایدار	توجه به ایده و مفهوم برای انتقال پیام نوآوری در بستر هنر خلاقیت در بستر هنر توجه به اندیشه و تفکر نفی کهنه‌پرستی و اضافه‌کردن ارزش‌های جدید کلیت و رویکرد استقرایی (جزء به کل) توجه هنر به فرایند و روایت لحاظ‌کردن اتفاق و تصادف در خلق هنر سادگی و دوری از تجملات در هنر
تعامل با مخاطب در تولید، معنابخشی، نقد و تغییر اثر هنری	تعامل و تفاهم متقابل در بخشیدن معنا به بینندگان آثار هنری توجه به ذهن و اندیشه مخاطب در نقد آثار هنری آزادی در انتخاب هر مواد و طریقی در تولید آثار هنری و رساندن پیام به مخاطب
توجه به پایداری زیستی در بعد جهانی و منطقه‌ای	رابطه محیط زندگی با مخاطب و تأثیر بر همدیگر توجه به مسائل جهانی توجه به اهداف زیست‌محیطی برای رسیدن به توسعه پایدار

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
امکان تنوع در ماده، تکنیک و رسانه در رساندن پیام	تنوع در ارائه و مکان اجرا تنوع در اجرا و زمان اجرا تنوع در موضوعات، سبک‌ها و تکنیک‌ها استفاده از مواد متنوع و غیر معمول استفاده از رسانه‌های گوناگون برای انتقال پیام (مثلاً استفاده از ویدئو) ارائه توسط بدن و ذهن هنرمند افزودن معنا و مفهوم به اشیاء آماده
امکان تلفیق هنرها و رسانه‌ها برای رساندن پیام	تلفیق هنرها با هم برای ارائه مطالب و رساندن مفهوم به مخاطب تلفیق ارائه با عناصر زندگی روزمره برای فهم بهتر تلفیق هنر با کلام و زبان به عنوان رسانه
بهره‌برداری از مفاهیم تحولات تکنولوژی در ادراک و ساختن مفاهیم	تلفیق ارائه با تکنولوژی و فناوری برای درک مطالب استفاده از رسانه‌های گوناگون برای انتقال پیام و درک مفهوم

در بخش دوم پاسخ به سؤال اول پژوهش، الگوی اگر به‌عنوان الگوی مورد مطالعه به‌منظور تلفیق با مقوله‌های اصلی و فرعی به‌دست‌آمده از مطالعه هنر پست‌مدرن و به‌ویژه هنر مفهومی انتخاب شد. این الگو ضمن دارا بودن عناصر برنامه‌دستی بستر و رویکردهای برآمده شکل‌گیری عناصر را به‌عنوان منطق در خود جای داده است. استخراج مؤلفه‌های هنر عصر حاضر این امکان را فراهم کند تا مفاهیم و رویکردهای پراکنده هنر پست‌مدرن و هنر مفهومی در کنار هم جمع شود و ویژگی‌ها و شاخص‌های هنر به‌خوبی از هم متمایز شود و سپس، با تلفیق مقوله‌های به‌دست‌آمده بتوان عناصر برنامه‌دستی را بر اساس آن‌ها تدوین کرد. در واقع، ویژگی‌های به‌دست‌آمده از جنس عناصر برنامه‌دستی شده است. برای مثال، داشتن رویکرد زیبایی‌شناسی فرهنگی و فرافرهنگی به‌عنوان منطق برنامه‌دستی؛ در عنصر هدف به صورت، داشتن نگاه بومی و در عین حال، چندفرهنگی در برنامه‌دستی؛ در عنصر محتوا به صورت، تدوین محتوا بر اساس فرهنگ‌های مختلف در کشور و در عنصر معلم استفاده از منابع بومی و فرهنگی برای تدریس مفاهیم آمده است.

به‌طور کلی، سه راهبرد را در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی می‌توان در نظر گرفت که عبارت‌اند از:

راهبرد غیر منعطف (کاهش گرایانه)؛ ۲. انعطاف مطلق (غیر کاهش‌گرایانه)؛ ۳. انعطاف نسبی (تلفیقی)

در راهبرد سوم، هدف‌های برنامه‌درسی به صورت کلی و نه خاص و رفتاری، از پیش تعیین شده است و معرف چارچوب ملی یا کشوری برنامه‌درسی است. روش‌های اجرا یا آموزش، از پیش تعیین نشده است و انعطاف دارد (متنوع و متکثر). در این نوع برنامه‌درسی می‌توان با پذیرش و تنوع در روش‌های اجرایی (روش‌های یاددهی-یادگیری، ارزشیابی از آموخت‌ها و...) بستر مساعدی را برای ظهور و حسن استفاده از تفاوت‌های فردی در ابعاد گوناگون فراهم کرد. به عبارت دیگر، در این راهبرد برنامه‌ای، باید با سودبردن از روش‌های گوناگون و متناسب با شرایط گروه‌های ویژه دانش‌آموزی هدف‌ها و مقاصد از پیش تعیین‌شده را عملیاتی کرد و به آنها جامه عمل پوشاند (مهرمحمدی، ۱۳۹۰ الف).

با توجه به مطلب یادشده رویکرد الگوی طراحی‌شده در این مقاله رویکرد تلفیقی یا انعطاف نسبی است. در این رویکرد اهداف معرف یک چارچوب کلی است و روش صورتبندی اهداف از انعطاف برخوردار است. سطح توانایی یادگیرنده‌ها متناسب با ظرفیت‌های فردی در ساحت‌های تربیت مورد توجه قرار گرفته است. در انتخاب محتوا و روش‌های یاددهی-یادگیری می‌توان با تلفیق ویژگی‌های هنر پست‌مدرن به خصوص هنر مفهومی با راهبردی واقع‌گرایانه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه کرد.

در این بخش مؤلفه‌های اصلی و فرعی حاصل از مطالعات در جدول ۳ با الگوی برنامه‌درسی اگر تلفیق شده و برنامه‌درسی مبتنی بر هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی را شکل داده‌اند.

جدول ۳. تلفیق عناصر برنامه‌درسی و مقوله‌های به‌دست‌آمده در هنر مفهومی

عناصر برنامه‌درسی	ویژگی‌های عناصر بر اساس هنر مفهومی
منطق	استفاده از هنر در بستر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی - رویکرد انتقادی و توجه به نقد به منظور تغییر ادراک - داشتن رویکرد زیبایی‌شناسی چندفرهنگی و فرافرهنگی - توجه به هنر به عنوان بستر ظهور خلاقیت در مسیر توسعه پایدار - تعامل با یادگیرندگان در تولید، معنابخشی، نقد و تغییر اثر هنری

ویژگی‌های عناصر بر اساس هنر مفهومی	عناصر برنامه درسی
<p>- رویکرد پایداری زیستی در بعد جهانی و منطقه‌ای</p> <p>- تنوع‌بخشی وسایل کمک آموزشی با استفاده از ماده، تکنیک و رسانه در رساندن پیام</p> <p>- تلفیق هنرها و رسانه‌ها برای رساندن پیام در عناصر برنامه درسی</p> <p>- بهره‌برداری از مفاهیم تحولات تکنولوژی در ادراک و ساختن مفاهیم</p>	
<p>موارد مربوط به ماهیت اهداف در طراحی برنامه درسی (مبتنی بر انعطاف و تلفیق):</p> <p>- توجه و تلفیق مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در دروس مختلف (تلفیق بر اساس مسائل جامعه)</p> <p>- در نظر گرفتن ابعاد جهانی در برنامه درسی و در عین حال داشتن نگاه بومی در برنامه‌ها (نگاه دوسویه)</p> <p>- در نظر گرفتن مسائل به‌روز بشر و تغییرات جهان در برنامه‌های درسی (توجه به تغییرات و حال بشر)</p> <p>- در نظر گرفتن ساختارهای تفکر و دانشی در برنامه درسی (انعطاف بر اساس تفاوت‌های فردی)</p> <p>- داشتن نگاه بومی و در عین حال چندفرهنگی به برنامه درسی (انعطاف بر اساس فرهنگ‌های مختلف)</p> <p>توجه و تلفیق مسائل زیست‌محیطی و بازیافت مواد در دروس مختلف</p> <p>- لحاظ کردن مسائل زیباشناسی و هنر به منظور شناسایی و درک اهمیت عناصر زیبایی‌ساز در برنامه درسی (تلفیق زیبایی‌شناسی و هنر با برنامه درسی)</p> <p>- تدوین مطالب مختلف برای شناخت اصول اولیه زیبایی‌شناسی در برنامه درسی و آشنایی با پدیده‌های طبیعی یا آثار هنری (انعطاف در انتخاب نوع هنر تلفیقی در برنامه درسی)</p> <p>- لحاظ کردن مطالبی در فعالیت‌های یادگیری با استفاده از معیارهای زیبایی‌شناسی، قدرت تخیل، تجسم و ایده‌پردازی (تلفیق ویژگی‌های هنر با اهداف برنامه درسی قیدشده در پیشنهادات فعالیت‌ها)</p> <p>- ایجاد شرایطی برای سازماندهی اهداف در برنامه درسی</p> <p>- ایجاد فضای بروز و ظهور خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان، معلمان و محیط یادگیری</p> <p>- آماده‌سازی شرایط و محیط برای داشتن روحیه نقادانه در بین عوامل آموزشی و دانش‌آموزان و اولیاء</p>	هدف
<p>موارد مربوط به ماهیت و انتخاب محتوا:</p> <p>- داشتن نگاه انتقادی و توجه به نقد در تدوین و انتخاب محتوا در برنامه درسی</p> <p>- استفاده از موقعیت‌های بومی و جغرافیای منطقه در تدوین محتوای دروس (پیش‌بینی درس‌های اختیاری بر اساس فرهنگ دانش‌آموز)</p> <p>- در نظر گرفتن مسائل جهانی و تأثیر آن بر کشورها، مناطق و محلات در انتخاب محتوای برنامه درسی</p> <p>- تدوین و انتخاب محتوای خلاقانه برای ایجاد تعامل بیشتر دانش‌آموزان با محتوا</p> <p>- تدوین محتوا بر اساس فرهنگ‌های مختلف در کشور (حق انتخاب برای معلم و شاگرد بر اساس فرهنگ زیسته) (مثلاً در دروس فارسی و اجتماعی)</p> <p>- موارد مربوط به سازماندهی محتوا (مبتنی بر تلفیق)</p> <p>- استفاده از تکنولوژی و فناوری در محتوای برنامه (رویکرد تلفیقی در محتوای برنامه درسی)</p> <p>- امکان تلفیق محتوا با عناصر زندگی روزمره (رویکرد تلفیقی در انتخاب محتوا در دروس علوم تجربی و علوم اجتماعی)</p>	محتوا

ویژگی‌های عناصر بر اساس هنر مفهومی	عناصر برنامه درسی
<p>- طراحی و انتخاب محتوای منعطف و سازگار با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان (داشتن انعطاف در محتوای برنامه درسی)</p> <p>- ساده‌سازی محتوای درسی و ایجاد فضایی برای تولید محتوا در کلاس درس (بر اساس تفاوت‌های فردی در دروسی مانند ریاضی و علوم تجربی)</p> <p>- قراردادن مسائل زیست‌محیطی و بازیافت مواد در محتوای مختلف دروس در برنامه درسی (مثلاً در دروس علوم تجربی و فارسی)</p>	
<p>موارد مربوط به ماهیت فعالیت‌های یادگیری در دروس مختلف:</p> <p>- در نظر گرفتن چند فرهنگی در مفاهیم ایجادکننده موضوعات در طراحی فعالیت‌های یادگیری</p> <p>- طراحی فعالیت‌های تعاملی بین دانش‌آموز با معلم و همسالان</p> <p>- ایجاد تنوع در طراحی فعالیت‌های یادگیری</p> <p>- ایجاد فضای تفکر و تأمل در فعالیت‌های طراحی شده یادگیری</p> <p>- موارد مربوط به سازماندهی فعالیت‌های یادگیری، توسط معلمان با توجه به موقعیت‌های تربیتی</p> <p>- نوآوری و خلاقیت در اجرای فعالیت‌های یادگیری در موقعیت‌های یادگیری</p> <p>- تنوع در موضوعات، سبک‌ها و تکنیک‌ها در فعالیت‌های طراحی شده در کلاس درس</p> <p>- امکان تلفیق فعالیت‌ها با هنر و عناصر زندگی روزمره</p> <p>- امکان تلفیق فعالیت با تکنولوژی و فناوری‌های روز</p> <p>- استفاده از رسانه‌های گوناگون برای بالابردن یادگیری در دانش‌آموز</p> <p>- برقراری ارتباط فعالیت‌ها با محیط‌های یادگیری و تأثیر بر یکدیگر</p> <p>- طراحی فعالیت‌هایی برای درک مفاهیم و اشیاء پیرامون</p> <p>- ایجاد امکان استفاده آزادانه از مواد و منابع در اجرای فعالیت‌های کلاس</p> <p>- توجه به فرایند و روایت در ارائه فعالیت‌های گروهی و فردی در کلاس</p>	فعالیت‌های یادگیری
<p>موارد مربوط به ماهیت معلم در ارتقای صلاحیت‌های معلم برای هدایتگری ایفای نقش هنرمندانه معلمی</p> <p>- داشتن روحیه نقادانه معلم</p> <p>- داشتن رویکرد زیبایی‌شناسی چندفرهنگی و فرافرهنگی</p> <p>- توجه معلم به تعامل با دانش‌آموز در محیط کلاس</p> <p>- تلفیق انواع هنر در ارائه مطالب توسط معلم (تأکید بر صلاحیت‌های معلم)</p> <p>- توجه معلم به تفکر، ذهن و اندیشه دانش‌آموزان</p> <p>- توجه معلم به ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان</p> <p>- موارد مربوط به سازماندهی معلم در روش تدریس</p> <p>- داشتن نوآوری و خلاقیت در روش‌های تدریس</p> <p>- توجه به ایده و مفهوم در ارائه درس</p>	معلم

عناصر برنامه درسی	ویژگی‌های عناصر بر اساس هنر مفهومی
	<p>- تنوع‌بخشی وسایل کمک آموزشی با استفاده از موضوعات، سبک‌ها و تکنیک‌ها در ارائه مطالب توسط معلم</p> <p>- استفاده از عناصر زندگی روزمره در تدریس</p> <p>- استفاده از تکنولوژی و فناوری‌های جدید در تدریس</p> <p>- استفاده از رسانه‌های گوناگون برای انتقال پیام و تدریس</p> <p>- استفاده از منابع بومی و فرهنگی برای تدریس مفاهیم</p> <p>- استفاده از فضاها و امکانات مختلف برای ارائه دروس، تکالیف و ارزشیابی</p>
مواد و منابع	<p>موارد مربوط به ماهیت مواد و منابع در دروس مختلف توسط برنامه‌ریزان درسی:</p> <p>- معرفی منابع مختلف در جهت اهداف دروس</p> <p>- امکان استفاده از منابع متنوع (چاپی و الکترونیکی) در طراحی برنامه درسی</p> <p>- استفاده از منابع بومی هر منطقه در تدوین فعالیت‌ها و محتوای دروس</p> <p>- موارد مربوط به سازماندهی مواد و منابع، توسط معلمان با توجه به موقعیت‌های تربیتی</p> <p>- آزادی دانش‌آموز در انتخاب منابع در مراحل یادگیری (با رعایت موارد بهداشتی)</p> <p>- استفاده از دورریختنی‌ها به عنوان مواد و منابع برای بیان مطالب و خلاقیت در دروس مختلف</p>
گروه‌بندی	<p>موارد مربوط به ماهیت گروه‌بندی:</p> <p>- امکان گروه‌بندی دانش‌آموزان در ارائه مطالب (مشارکت گروهی برای انجام کاری)</p> <p>- امکان گروه‌بندی دانش‌آموزان در انجام تکالیف و پروژه‌های درسی</p> <p>- سازماندهی عنصر گروه‌بندی</p> <p>- گروه‌بندی با توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان با توجه به نظر معلم</p> <p>- آزادی دانش‌آموزان در انتخاب هم‌گروهی برای فعالیت‌های کلاسی</p>
مکان	<p>موارد مربوط به ماهیت مکان‌های آموزشی:</p> <p>- امکان انتخاب مکان ارائه فعالیت‌ها برای معلم و دانش‌آموز</p> <p>- امکان آموزش در فضایی غیر از کلاس درس</p> <p>- موارد مربوط به سازماندهی مکان آموزشی توسط معلم</p> <p>- استفاده از مکان‌های طبیعی (تشکیل کلاس در پارک‌ها)</p> <p>- استفاده از مکان‌های تاریخی و هنری (موزه‌ها)</p>
زمان	<p>موارد مربوط به ماهیت زمان آموزشی:</p> <p>- شناوربودن زمان مطالعه بر مبنای دروس مختلف</p> <p>- شناوربودن زمان مطالعه بر اساس ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان</p> <p>- شناوربودن زمان در فعالیت‌ها با توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان</p> <p>- موارد مربوط به سازماندهی زمان آموزشی توسط معلم</p> <p>- حق انتخاب دانش‌آموز در بازه‌های زمانی متفاوت پیشنهادی معلم، برای مطالعه دروس</p> <p>- حق انتخاب دانش‌آموز در بازه‌های زمانی مختلف پیشنهادی معلم، برای ارائه فعالیت‌ها</p>

عناصر برنامه درسی	ویژگی‌های عناصر بر اساس هنر مفهومی
ارزشیابی	<p>موارد مربوط به ماهیت ارزشیابی:</p> <ul style="list-style-type: none"> - توجه به کلیت و رویکرد استقرایی (جزء به کل) در ارزشیابی - امکان انتخاب و مشارکت دانش‌آموزان در روش‌های ارزشیابی دروس - داشتن نگاه نقادانه در ارزشیابی در موقعیت‌های یادگیری - موارد مربوط به سازماندهی ارزشیابی توسط معلم - امکان برگزاری نمایشگاه‌های دوره‌ای و نقد و بررسی گروهی آثار ارائه‌شده برای ایجاد فضای ارزشیابی مشارکتی - داشتن خلاقیت و نوآوری در استفاده از روش‌های ارزشیابی توسط معلم - امکان تنوع در ارزشیابی (از طریق فناوری، خودارزشیابی توسط دانش‌آموز و هم‌سال‌سنجی) توسط معلم - ایجاد فضایی برای ارزشیابی فرایندهای یادگیری و روایت‌های تجربه‌شده دانش‌آموزان توسط معلم

سؤال فرعی دوم: اعتبار نظری الگوی پیشنهادی برنامه‌درسی مبتنی بر هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی برای دوره دوم ابتدایی، چگونه است؟

پیش‌نویسی از طرح الگوی برنامه‌درسی مبتنی بر هنر پست‌مدرن و هنر مفهومی آماده شد. در این مرحله الگوی طراحی شده با روش گروه کانونی به قضاوت متخصصان حوزه برنامه‌درسی، صاحب‌نظران حوزه هنر پست‌مدرن و هنر مفهومی و معلمان دوره دوم ابتدایی گذاشته شده و اعتباریابی شد و نظرات آن‌ها درباره الگوی تدوین‌شده در جدول ۴ به‌دست آمده است.

جدول ۴. عوامل شناسایی‌شده در گروه کانونی درخصوص الگوی برنامه‌درسی مبتنی بر هنر پست‌مدرن در دوره دوم ابتدایی

متخصصان مورد مصاحبه	عوامل شناسایی‌شده در مصاحبه
معلمان دوره ابتدایی	<ul style="list-style-type: none"> - الگو گویا و خوب است. - توجه به ظاهر معلم و ایجاد انگیزه آنان. - ایجاد تعامل با دانش‌آموزان. - وجود مؤلفه روحیه انتقادی معلمان. - توجه به تفاوت‌های فردی. - استفاده از روش‌های خلاق. - اضافه‌شدن کلیدواژه هنر اسلامی و تخیل. - تلفیق هنر در ارائه مطالب به صورت جزئی. - استفاده از عناصر زندگی روزمره در تدریس.

عوامل شناسایی شده در مصاحبه	متخصصان مورد مصاحبه
<ul style="list-style-type: none"> - توجه به داستان، قصه‌گویی، خاطره‌گویی و تنوع در ارائه تکالیف. - توجه به تنوع در مواد چاپی و الکترونیکی. - امکان شناوربودن زمان در فعالیت‌های مختلف. 	
<ul style="list-style-type: none"> - الگو با توجه به مؤلفه‌ها و عناصر به‌خوبی طراحی شده است. - الگو مناسب است. - خلاقیت و سادگی در الگو خوب بود. - توجه به بعد فرهنگی / بومی و اهداف زیست‌محیطی در الگوی طراحی شده خوب است. - توجه به بعد روان‌شناسی در منطق برنامه درسی الگوی طراحی شده. - روشن‌ترشدن کلیدواژه‌ها با استفاده از ویژگی‌های منحصر به فرد هنر مفهومی. - استفاده از مکان‌های طبیعی، تاریخی و هنری و موزه‌ها در تدریس. - توجه به خلاقیت / تفکر انتقادی / تفاوت‌های فردی و لحاظ‌کردن آن در الگو. - فعالیت‌های مبتنی بر خلاقیت در الگو اضافه شود. - تنوع در شیوه‌های ارزشیابی و استفاده از خود ارزشیابی. 	متخصصان برنامه درسی
<ul style="list-style-type: none"> - الگو منطقی و روشن است. - مؤلفه‌ها کامل است. - تعامل عناصر با هم خوب است. - ویژگی آزادی در استفاده از ابزار در ارائه پیام و بروز مطالب توسط دانش‌آموزان به‌خوبی طراحی شده است. - جهانی‌گرایی و بومی‌گرایی. - آوردن مقوله دیگری به عنوان فرهنگ‌ها، قومیت‌ها و فمینیسم. - نفی فراروایت‌ها. - آوردن اندیشه انتقادی و نقد به عنوان مهمترین مؤلفه هنر پست‌مدرن. - تأکید به مفهوم و ایده هنرمند و درک مخاطب. - اهمیت به تجربه و ایده و گذار از کلابودن و شیئیت هنر. 	متخصصان حوزه هنر مفهومی

سه گروه متخصصان مورد مصاحبه و مطالب بیان‌شده توسط آنان عبارت‌اند از:

۱. متخصصان حوزه برنامه درسی که در دوره ابتدایی تدریس داشته یا دارند.

این گروه بر توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، تنوع و خلاقیت در تدریس، فعالیت‌ها و منابع مورد استفاده تأکید داشتند. همچنین، امکان شناوربودن فعالیت‌های مختلف در آموزش را مورد توجه قرار داده‌اند.

۲. متخصصان حوزه برنامه‌درسی که در حوزه هنر پژوهش داشته‌اند. این گروه تأکید بر روشن‌ترشدن مقوله‌ها با استفاده از ویژگی‌های هنر مفهومی داشته و همچنین، توجه به تنوع در مکان‌های تدریس، خلاقیت، تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و تفکر انتقادی را مد نظر قرار داده‌اند.
۳. صاحب‌نظران حوزه هنر که در حوزه هنر پست‌مدرن و هنر مفهومی پژوهش داشته‌اند. این گروه توجه به فراروایت‌ها و مقوله‌دیگری (به عنوان فرهنگ‌های مختلف، قومیت‌ها و فمینیسم) را بر اساس ویژگی‌های هنر مفهومی مورد تأکید قرار داده‌اند و همچنین، بیان داشتند در ارائه مطالب توجه با ایده، مفهوم، تجربه و درک مخاطب می‌تواند الگو را غنی‌تر کند.

بحث و نتیجه‌گیری

از حدود سه قرن پیش تا کنون، اندیشمندان حوزه‌تعلیم و تربیت در جهان به اهمیت تلفیق هنر با برنامه‌درسی پی برده‌اند. در برخی پژوهش‌ها، رابطه هنر با برنامه‌درسی به دو گونه آموزش هنر و آموزش مبتنی بر هنر بررسی می‌شود. البته بیشتر مطالعات در رابطه با آموزش هنر است. اندیشمندانی چون اسمیت (۲۰۰۸) به هر دو برداشت بین هنر و برنامه‌درسی اعتقاد دارد. نتیجه پژوهش‌ها حاکی از تأثیرات مثبت هر دو حوزه (آموزش هنر و آموزش مبتنی بر هنر) در آموزش است. در برخی پژوهش‌ها به ویژگی‌های برنامه‌درسی عصر حاضر (عصر پست‌مدرن) و هنر پست‌مدرن پرداخته شده است. با توجه به اهمیت هنر در برنامه‌درسی و ویژگی‌های هنر پست‌مدرن و ویژگی‌های آن‌ها، این هنر می‌تواند برای به‌کارگیری آن در برنامه‌درسی مورد استفاده قرار گیرد. در این پژوهش تلاش شد، ویژگی‌های هنر پست‌مدرن شناسایی شود. برای این منظور از تحلیل ۴ رویکرد مطرح در هنر پست‌مدرن و انواع هنرهای مفهومی، ۲۴۲ ویژگی آن‌ها کشف شد. در مرحله بعد با روش سنتز پژوهی ۳۹ مقوله اولیه و سپس، ۳۶ مقوله ثانویه و در نهایت، ۹ مقوله اصلی برآمده از ویژگی‌ها، استخراج و سپس در عناصر ده‌گانه برنامه‌درسی اگر تلفیق شد.

۹ مقوله اصلی به عنوان منطق برنامه‌درسی با هویت پست‌مدرن که برآمده از پرتکرارترین ویژگی‌های هنرهای مفهومی انتخاب شدند، این منطق همسو با جنبه‌های اصلی در هنر مفهومی

همچون توجه به فرهنگ اجتماعی، خلاقیت، تنوع در کار و... است. از این رو، موضوعاتی چون نگاه ویژه به بسترهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشتن رویکردهای انتقادی، زیبایی‌شناسی فرهنگی و فرا فرهنگی، خلاقیت در مسیر توسعه پایدار، تعامل ویژه با مخاطب در تولید، معنابخشی، نقد و تغییر اثر هنری، رویکرد پایداری زیستی در بعد جهانی و منطقه ای، امکان تنوع در ماده، تکنیک و رسانه در رساندن پیام، امکان تلفیق هنر با دیگر دروس و بهره برداری از مفاهیم تحولات تکنولوژی در ادراک و ساختن مفاهیم به عنوان منطق برنامه درسی که هم راستا با ویژگی‌های هنر پست مدرن بوده است به عنوان منطق در طراحی الگوی برنامه درسی مبتنی بر مدل اکر انتخاب شدند.

در طراحی این الگو عناصر نه‌گانه براساس منطق چیده شده‌اند، برای مثال، رویکرد پایداری زیستی در بعد جهانی و منطقه‌ای در منطق برنامه در هدف توجه به اهداف زیست‌محیطی و بازیافت را نشان می‌دهد. در عنصر معلم استفاده از منابع بومی و فرهنگی در تدریس، در محتوا قرار دادن مسائل زیست‌محیطی و بازیافت مواد در محتوای درس، در عنصر مواد و منابع استفاده از منابع بومی در منطقه در فعالیت‌های درسی، در فعالیت‌ها امکان ارتباط فعالیت‌ها با محیط و تاثیر بر همدیگر. در مورد دیگری از منطق این برنامه رویکرد انتقادی و توجه به نقد وجود دارد که این مبحث در عناصر برنامه درسی در هدف با عنوان آماده‌سازی شرایط و محیط برای داشتن روحیه نقادانه در بین عوامل آموزشی و دانش‌آموزان و اولیاء، در محتوا داشتن نگاه انتقادی و توجه به نقد در تدوین برنامه درسی، در فعالیت‌های یادگیری ایجاد فضای تفکر و تأمل در فعالیت‌های طراحی شده یادگیری، در عنصر معلم، داشتن روحیه نقادانه معلم و در ارزشیابی داشتن نگاه نقادانه در ارزشیابی در موقعیت‌های یادگیری آورده شده است. واقعیت آن است که در طراحی الگوی ارائه شده سعی شده ارتباط منطق با عناصر و عناصر با یکدیگر حفظ شود و عناصر با منطق حفظ شود. از بُعد دیگر طراحی این الگو با در نظر گرفتن منطق حاکم بر برنامه درسی نظام آموزشی دوره ابتدایی است که به نظر می‌رسد با توجه به ویژگی‌های الگو اعم از پررنگ بودن مقوله‌هایی چون خلاقیت، تنوع‌بخشی به مواد، نگاه ویژه به محیط زیست می‌تواند برنامه درسی این دوره را غنایی خاص ببخشد.

به نظر می‌رسد با توجه به تحول رویکردهای یاددهی - یادگیری در این زمان باید به خلق موقعیت‌ها با رویکرد هنر، در یاددهی و یادگیری توجه کرد. این اقدام می‌تواند توسط ویژگی‌های متنوع هنر عصر حاضر محقق شود.

موارد ظهور ویژگی‌های هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی در عناصر ده‌گانه برنامه درسی اکر، بر اساس یافته‌های پژوهش در پاسخ به هر سؤال در عنصر برنامه درسی بیان شده است. (پژوهش‌های همسو با آن‌ها در مقابل ویژگی‌ها بیان شده است).

۱. منطق الگوی برنامه درسی مبتنی بر هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی کدام است؟

منطق (رسالت اصلی طرح) به عنوان نقطه اتکا اصلی در مرکز برنامه درسی قرار دارد و عناصر دیگر به‌طور ایده‌آلی با این منطق مرتبط می‌شوند (اکر و همکاران، ۲۰۱۰).

- استفاده از هنر در بستر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (لوسی اسمیت، ۱۳۹۶؛ آرچر، ۱۳۹۶؛ سمیع‌آذر، ۱۳۹۶).

- رویکرد انتقادی و توجه به نقد به منظور تغییر ادراک (مهدی‌زاده، ۱۳۸۸).

- داشتن رویکرد زیبایی‌شناسی چندفرهنگی و فرافرهنگی (راشنبرگ، ۲۰۱۹؛ آرچر، ۱۳۹۶).

- توجه به هنر به عنوان بستر ظهور خلاقیت در مسیر توسعه پایدار (امیرحاجبی، ۱۳۹۲).

- تعامل با یادگیرندگان در تولید، معنابخشی، نقد و تغییر اثر هنری (رهبرنیا و داودی، ۱۳۹۴؛ سل‌لویت، ۱۹۶۷؛ سمیع‌آذر، ۱۳۹۶).

- رویکرد پایداری زیستی در بعد جهانی و منطقه‌ای (لوسی اسمیت، ۱۳۹۶؛ راشنبرگ، ۲۰۱۹؛ سل‌لویت، ۱۹۶۷؛ قلعه، ۱۳۸۹؛ دلداده، ۱۳۹۱؛ پاکباز، ۱۳۸۷؛ اسماگون، ۱۳۸۱).

- تنوع‌بخشی وسایل کمک آموزشی با استفاده از ماده، تکنیک و رسانه در رساندن پیام (راشنبرگ، ۲۰۱۹؛ لیتنن، ۱۳۸۲).

- تلفیق هنرها و رسانه‌ها برای رساندن پیام در عناصر برنامه درسی (راشنبرگ، ۲۰۱۹؛ لیتنن، ۱۳۸۲؛ پاکباز، ۱۳۸۷).

- بهره‌برداری از مفاهیم تحولات تکنولوژی در ادراک و ساختن مفاهیم (راشنبرگ، ۲۰۱۹؛ لوسی اسمیت، ۱۳۹۶).

۲. هدف در الگوی برنامه درسی مبتنی بر هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی چه ویژگی‌هایی دارد؟

- یک برنامه درسی به قصد ایجاد تغییرات در رفتار یادگیرندگان اجرا می‌شود که این تغییرات همان اهداف برنامه
- درسی است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۵). هدف برنامه درسی آنچه مورد نظر است، یا آنچه طلب می‌شود، نهایت انتظار یا دستاورد نهایی است (موسی‌پور، ۱۳۹۷).
- توجه به مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (مهرمحمدی، ۱۳۹۰؛ صابری و همکاران، ۱۳۹۴).
- ایجاد فضای بروز و ظهور خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان، معلمان و محیط یادگیری (انتظامی، ۱۳۹۴؛ گرین، ۱۹۹۵).
- آماده‌سازی شرایط و محیط برای داشتن روحیه نقادانه در بین عوامل آموزشی و دانش‌آموزان و اولیاء (گرین، ۱۹۹۵).
- در نظر گرفتن ابعاد جهانی در برنامه درسی و در عین حال داشتن نگاه بومی در برنامه‌ها.
- در نظر گرفتن مسائل به‌روز بشر و تغییرات جهان در برنامه‌های درسی.
- داشتن نگاه بومی و در عین حال چندفرهنگی به برنامه درسی (باقری، ۱۳۷۵).
- در نظر گرفتن ساختارهای تفکر و دانشی در برنامه درسی.
- توجه به مسائل زیست‌محیطی و بازیافت مواد در دروس مختلف.
- لحاظ کردن مسائل زیباشناسی و هنر به منظور شناسایی و درک اهمیت عناصر زیبایی‌ساز در برنامه درسی.
- لحاظ کردن فعالیت‌های یادگیری با استفاده از معیارهای زیبایی‌شناسی، قدرت تخیل، تجسم و ایده‌پردازی.
- تدوین فعالیت‌های مختلف برای شناخت اصول اولیه زیبایی‌شناسی پدیده طبیعی یا آثار هنری.

۳. محتوا در الگوی برنامه درسی مبتنی بر هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی چه ویژگی‌هایی دارد؟

محتوا، ماده برنامه درسی است. آنچه که باید آموخته شود، شامل حقایق، مفاهیم، اصول، نظریه‌ها و تعمیم است. محتوا همچنین به فرایندهای شناختی اشاره دارد (فتحی‌واجارگاه، ۱۳۹۵). مفاهیم باید به دانش‌آموزان امکان دهد که فهم لازم را به دست آورند و آن را در زندگی در حال و آینده به کار بندند (ارنشتاین و هانکینز^۱، ۱۳۹۲).

- امکان تلفیق محتوا با عناصر زندگی روزمره (صابری و همکاران، ۱۳۹۴).
- داشتن نگاه انتقادی و توجه به نقد در تدوین برنامه درسی (گرین، ۱۹۹۵).
- استفاده از تکنولوژی و فناوری.
- استفاده از موقعیت‌های بومی و جغرافیای منطقه در تدوین محتوای دروس.
- در نظر گرفتن مسائل جهانی و تاثیر آن بر کشورها، مناطق و محلات.
- تدوین محتوای خلاقانه برای ایجاد تعامل بیشتر دانش‌آموزان با محتوا (گرین، ۱۹۹۵).
- طراحی محتوای منعطف و سازگار با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان (صابری و همکاران، ۱۳۹۴؛ بیرمی‌پور، ۱۳۸۹؛ پاکیزه، ۱۳۹۴؛ مهرمحمدی، ۱۳۹۰ ب).
- تدوین محتوا بر اساس فرهنگ‌های مختلف در کشور (توزان، ۲۰۱۵).
- ساده‌سازی محتوای درسی و ایجاد فضایی برای تولید محتوا در کلاس درس.
- قراردادن مسائل زیست محیطی و بازیافت مواد در محتواهای مختلف دروس.

۴. فعالیت‌های یادگیری در الگوی برنامه درسی مبتنی بر هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی چه ویژگی‌هایی دارد؟

فعالیت‌های یادگیری، اشاره به درگیری فراگیران در یادگیری دارد. فعالیت‌های یادگیری فراگیر منجر به کسب تجربیات یادگیری خواهد شد. هر قدر سطح درگیری و یا فعالیت‌های یادگیری بیشتر باشد به همان نسبت تجربیات یادگیری فراگیر عمیق‌تر خواهد شد (فتحی‌واجارگاه، ۱۳۹۵).

- در نظر گرفتن چندفرهنگی در مفاهیم ایجادکننده موضوعات در طراحی فعالیت‌های یادگیری.
- طراحی فعالیت‌های تعاملی بین دانش‌آموز با معلم و همسالان (مهرمحمدی، ۱۳۹۰ ب).
- نوآوری و خلاقیت در موقعیت‌های یادگیری (پاکیزه، ۱۳۹۴؛ کاظم‌پور، ۱۳۹۵).
- تنوع در موضوعات، سبک‌ها و تکنیک‌ها در فعالیت‌های طراحی شده در کلاس درس (صابری و همکاران، ۱۳۹۴؛ هال، ۲۰۱۶).
- امکان تلفیق فعالیت‌ها با هنر و عناصر زندگی روزمره (صابری و همکاران، ۱۳۹۴؛ ضیایی، ۱۳۹۷؛ هال، ۲۰۰۷).
- امکان تلفیق فعالیت با تکنولوژی و فناوری‌های به‌روز (مهرمحمدی، ۱۳۹۰ ب؛ توزان، ۲۰۱۵؛ لاجویک، ۲۰۱۳).
- استفاده از رسانه‌های گوناگون برای بالابردن یادگیری در دانش‌آموز (بیرمی‌پور، بختیار نصرآبادی و هاشمی اردکانی، ۱۳۸۹).
- برقراری ارتباط فعالیت‌ها با محیط‌های یادگیری و تأثیر بر یکدیگر.
- طراحی فعالیت‌هایی برای درک مفاهیم و اشیا پیرامون (گرین، ۲۰۰۵؛ وایتهد، ۱۹۵۵).
- ایجاد تنوع در طراحی فعالیت‌های یادگیری.
- ایجاد فضای تفکر و تأمل در فعالیت‌های طراحی شده یادگیری (گرین، ۲۰۰۵).
- ایجاد امکان استفاده آزادانه از مواد و منابع در اجرای فعالیت‌های کلاس.
- توجه به فرایند و روایت در ارائه فعالیت‌های گروهی و فردی در کلاس.

۵. معلم در الگوی برنامه‌درسی مبتنی بر هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی چه ویژگی‌هایی دارد؟

- معلمان مجریان اصلی برنامه‌درسی هستند. آنچه که توسط برنامه‌ریزان درسی طراحی و تولید می‌شود توسط معلم در کلاس درس یا سایر فضای یادگیری اجرا می‌شود (ملکی، ۱۳۹۵).
- داشتن نوآوری و خلاقیت در روش‌های تدریس (توزان، ۲۰۱۵).
 - داشتن رویکرد زیبایی‌شناسی چندفرهنگی و فرافرهنگی.

- داشتن روحیه نقادانه معلم (گرین، ۱۹۹۵).
- توجه به ایده و مفهوم در ارائه درس (گرین، ۲۰۰۵).
- توجه به تعامل با دانش‌آموز در محیط کلاس.
- تنوع‌بخشی وسایل کمک آموزشی با استفاده از موضوعات، سبک‌ها و تکنیک‌ها در ارائه مطالب (مهرمحمدی، ۱۳۹۰؛ باقری، ۱۳۷۵).
- تلفیق انواع هنر در ارائه مطالب (تأکید بر صلاحیت‌های معلم) (ضیایی، ۱۳۹۷؛ کاظم‌پور، ۱۳۹۵؛ پاکیزه، ۱۳۹۴؛ هال، ۲۰۰۷؛ لاجویک، ۲۰۱۳؛ بیکر، ۲۰۱۳؛ لیانگ، ۲۰۱۵؛ هال، ۲۰۱۶).
- استفاده از عناصر زندگی روزمره در تدریس (صابری و همکاران، ۱۳۹۴).
- استفاده از تکنولوژی و فناوری‌های جدید در تدریس (مهرمحمدی، ۱۳۹۰؛ بیرمی‌پور، ۱۳۸۹).
- توجه به تفکر، ذهن و اندیشه دانش‌آموزان.
- توجه به ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان.
- استفاده از رسانه‌های گوناگون برای انتقال پیام و تدریس.
- استفاده از منابع بومی و فرهنگی برای تدریس مفاهیم.
- استفاده از فضاها و امکانات مختلف برای ارائه درس، تکالیف و ارزشیابی.

۶. مواد و منابع در الگوی برنامه درسی مبتنی بر هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی چه ویژگی‌هایی دارد؟

- امکانات تمامی ابزار و لوازمی است که اجرای برنامه به آن‌ها مرتبط می‌شود و فایده برنامه از کمیت و کیفیت آن‌ها تأثیر می‌پذیرد (موسی‌پور، ۱۳۹۷).
- معرفی منابع مختلف در جهت اهداف درس (مهرمحمدی، ۱۳۹۰؛ ب).
 - امکان استفاده از منابع متنوع (چاپی و الکترونیکی) در طراحی برنامه درسی.
 - آزادی دانش‌آموز در انتخاب منابع (با رعایت موارد بهداشتی).
 - استفاده از منابع بومی هر منطقه در تدوین فعالیت‌ها و محتوای درس.
 - استفاده از دورریختنی‌ها برای بیان مطالب و خلاقیت درس مختلف.

۷. ارزشیابی در الگوی برنامه درسی مبتنی بر هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی چه ویژگی‌هایی دارد؟

ارزشیابی برنامه درسی فرایندی است که درباره داوری در زمینه تناسب تصمیم‌های برنامه درسی به کار می‌رود. مشروعیت و صحت برنامه‌ها به ارزشیابی دقیق و مستمر نیاز دارد (ملکی، ۱۳۹۵).

- داشتن خلاقیت و نوآوری در استفاده از روش‌های ارزشیابی.
- داشتن نگاه نقادانه در ارزشیابی در موقعیت‌های یادگیری.
- امکان تنوع در ارزشیابی (از طریق فناوری، خود ارزشیابی توسط دانش‌آموز و هم‌سال‌سنجی) توسط معلم.
- توجه به کلیت و رویکرد استقرایی (جزء به کل) در ارزشیابی.
- امکان انتخاب و مشارکت دانش‌آموزان در روش‌های ارزشیابی دروس (مهرمحمدی، ۱۳۹۰ ب).
- امکان برگزاری نمایشگاه‌های دوره‌ای و نقد و بررسی گروهی آثار ارائه‌شده برای ایجاد فضای ارزشیابی مشارکتی.
- ایجاد فضایی برای ارزشیابی فرایندهای یادگیری و روایت‌های تجربه‌شده دانش‌آموزان توسط معلم (مهرمحمدی، ۱۳۹۰ ب).

۸. گروه‌بندی در الگوی برنامه درسی مبتنی بر هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی چه ویژگی‌هایی دارد؟

گروه‌بندی اشاره به گروه‌های داخل کلاس دارد. گروه‌بندی‌ها بر حسب راهبردهای تدریس و یادگیری متفاوت است و تحت تأثیر محتوای درسی قرار می‌گیرد (فتحی‌واجارگاه، ۱۳۹۵).

- امکان گروه‌بندی دانش‌آموزان در ارائه مطالب (مشارکت گروهی برای انجام کاری) (هال، ۲۰۱۶).
- امکان گروه‌بندی دانش‌آموزان در انجام تکالیف و پروژه‌های درسی.
- گروه‌بندی با توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان با توجه به نظر معلم.
- آزادی دانش‌آموزان در انتخاب هم‌گروهی برای فعالیت‌های کلاسی (هال، ۲۰۱۶).

۹. مکان در الگوی برنامه درسی مبتنی بر هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی چه ویژگی‌هایی دارد؟

فضا و محیط آموزشی عنصری است که کلیه فرایندهای یاددهی یادگیری در درون آن انجام می‌پذیرد. محیط فیزیکی مناسب، وسعت و کیفیت آن‌ها تأثیر مهمی بر عملکرد نظام آموزشی دارد (فتیحی و اجارگاه، ۱۳۹۵).

- امکان انتخاب مکان ارائه فعالیت‌ها برای معلم و دانش‌آموز.
- امکان آموزش در فضایی غیر از کلاس درس (هال، ۲۰۱۶).
- استفاده از مکان‌های طبیعی (تشکیل کلاس در پارک‌ها).
- استفاده از مکان‌های تاریخی و هنری (موزه‌ها).

۱۰. زمان در الگوی برنامه درسی مبتنی بر هنر پست‌مدرن با تأکید بر هنر مفهومی چه ویژگی‌هایی دارد؟

آنچه زمان به آن اشاره دارد این است که محتوای انتخاب شده به همراه استفاده از شیوه‌ها و مواد در جهت دستیابی به اهداف برنامه در یک چارچوب زمانی ارائه می‌شود. برنامه از نظر زمانی، بایستی به گونه‌ای ارائه شود که به طور مؤثر شناخت و یادگیری مطلوب را در فراگیر ایجاد کند (فتیحی و اجارگاه، ۱۳۹۵). زمان از منظر یادگیرنده و یاددهنده مطالعه می‌شود. مقدار زمان درگیر شدن با موضوع درسی را که یک مسئله مرتبط با تدریس است، متغیرهای مرتبط با یادگیرنده، شرایط کلاس درس و معلم تعیین می‌کنند (موسی‌پور، ۱۳۹۷).

- شناوربودن زمان مطالعه بر مبنای دروس مختلف (هال، ۲۰۱۶).
 - شناوربودن زمان مطالعه بر اساس ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان.
 - شناوربودن زمان در فعالیت‌ها با توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان.
 - حق انتخاب دانش‌آموز در بازه‌های زمانی متفاوت پیشنهادی معلم، برای مطالعه دروس.
 - حق انتخاب دانش‌آموز در بازه‌های زمانی مختلف پیشنهادی معلم، برای ارائه فعالیت‌ها.
- با استفاده از الگوی پیشنهادی می‌توان بین منطق برنامه درسی و مفاهیم هنر دنیای امروز (هنر

مفهومی) پیوند برقرار کرد. با پیوند برنامه درسی با ویژگی‌های هنر مفهومی، موقعیت‌های یادگیری بسیار نوآورانه شده و محدودیت آموزش و تدریس تبدیل به گستره‌ای از تکنیک‌ها، رویکردها و روش‌های مفید خواهد شد.

مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از هنر مفهومی نشان می‌دهد، نیاز است فضای مدرسه پویا و خلاق باشد. پیشنهاد می‌شود: هنر در برنامه درسی دوره دبستان به عنوان مبنا قرار گیرد. معلمان و مربیان مدارس با مؤلفه‌های هنر عصر حاضر آشنا شوند که این امر در قالب دوره‌های ضمن خدمت امکان تحقق دارد. در مدارس تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان مورد توجه قرار گیرد. در مدارس شرایطی فراهم شود که معلمان در فعالیت‌های یادگیری، روش‌های تدریس و ارزشیابی بتوانند تعامل با مخاطب، خلاقیت، تنوع، تلفیق هنرها، تلفیق رسانه‌ها را به کار برند، تا فرایند آموزش جذاب و مطلوب شود و همچنین علاقه‌مندی دانش‌آموزان به درس و مدرسه افزون شود.

براساس نتایج این پژوهش به متولیان و سیاستگذاران و مجریان برنامه درسی پیشنهاد می‌شود که در طراحی و اجرای برنامه درسی دوره ابتدایی به ویژگی‌های هنر پست‌مدرن و هنر مفهومی در برنامه درسی توجه داشته باشند. از این رو، به مؤسسات آموزشی پیشنهاد می‌شود تا ضمن توسعه تخصصی افراد نسبت به ایجاد نگرش مثبت نسبت به هنر در آموزش به‌خصوص هنر عصر حاضر در بهتر شدن برنامه‌های درسی بکوشند. بنابراین، انجام تحقیقات در زمینه اجرای برنامه درسی با هویت هنر پست‌مدرن ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- اخگر، مجید (۱۳۹۶). گزارش تصویری نمایشگاه پروسه در گالری آ. پروسه خلق اثر هنری فراتر از شیء هنری است! مجله خبری، تحلیلی و پژوهشی هنرهای تجسمی آوام. ۱۶ مرداد ۱۳۹۶.
- آرچر، مایکل (۱۳۹۶). هنر بعد از ۱۹۶۰. ترجمه کتایون یوسفی، چاپ پنجم، تهران: حرفه هنرمند.
- ارنشتاین، الن سی و هانکینز، فرانسیس (۱۳۹۲). مبانی اصول و مسائل برنامه درسی، جلد دوم، مترجم دکتر قدسی احقر، تهران: نشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- آزبورن، پیتر (۱۳۹۰). هنر مفهومی. ترجمه نغمه رحمانی، تهران: مرکب سپید.
- اسلاتری، پاتریک (۱۳۹۶). برنامه‌ریزی درسی در عصر پست‌مدرن. ترجمه صمد ایزدی، مصطفی قادری و فاطمه حسینی، ویرایش دوم، چاپ دوم، تهران: آوای نور.
- اسماگولا، هواردجی (۱۳۸۱). گرایش‌های معاصر در هنرهای بصری. ترجمه فرهاد غبرائی، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- افهمی، رضا (۱۳۹۸). گفت‌وگو درباره هنر مفهومی در دانشگاه تربیت مدرس.
- امیرحاجبی، علیرضا (۱۳۹۸). هستی‌شناسی هنر مفهومی (گفت‌وگوها و مقاله‌هایی از هنرمندان معاصر). گردآوری و ترجمه علیرضا امیرحاجبی. تهران: مان کتاب، کارگاه اتفاق.
- انتظامی، مهسا، سیف نراقی، مریم، و نادری، عزت‌الله (۱۳۹۴). عملکرد تربیت هنری بر مبنای عناصر برنامه درسی در درس علوم تجربی پایه ششم ابتدایی در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ شهر تهران. *تعلیم و تربیت*، ۱۲۹، ۷۵-۹۲.
- بابایی، محمود (۱۳۹۲). رسانه‌های دیجیتال: مشارکت‌پذیری و فناوری محوری. *ماهنامه الکترونیکی انجمن علمی مدیریت اطلاعات ایران*، ۱(۲)، ۹۸-۱۰۷.
- باقری، خسرو (۱۳۷۵). تعلیم و تربیت در منظر پست مدرنیسم. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، ۵۶، ۴-۱.
- بخشی، علی (۱۳۸۴). ویدئو آرت، پرسش‌های کهنه از رسانه نو. *هفته‌نامه هنرهای تجسمی تندیس*، دو، شماره ۶۶.

- بیرمی‌پور، علی، بختیار نصرآبادی، حسنعلی، و هاشمی‌اردکانی، سیدحسین (۱۳۸۹). پست‌مدرن و اصلاحات برنامه‌درسی. *رویکردهای نوین آموزشی*، ۵(۱)، ۳۱-۶۶.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۷). *دایره‌المعارف هنر*. تهران: فرهنگ معاصر.
- پاکیزه، علی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر شیوه‌آموزشی تلفیقی هنر بر خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان پسر سال اول دبستان. *مرکز مطالعات و توسعه‌آموزش علوم پزشکی توسعه‌جندی شاپور*، ۶(۱)، ۵۲-۶۰.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۶۹). *زیبایی و هنراز دیدگاه اسلام*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- جنکنز، چارلز (۱۳۷۵). *پست‌مدرنیسم چیست*. ترجمه‌فرهاد مرتضایی، چاپ دوم، تهران: مرندیز.
- خلج، رامین (۱۳۸۶). *پست‌مدرنیسم و هنر پست‌مدرن*. مجله‌کتاب ماه هنر.
- خوش‌نظر، سیدرحیم، و نادعلیان، احمد (۱۳۸۸). *ویدئو آرت رسانه‌ای نو در قلمرو هنر جدید*. مجله‌کتاب ماه هنر، تیر ماه.
- دامود، احمد (۱۳۹۷). *بازیگری و پرفورمنس آرت*. چاپ پنجم، تهران: نشر مرکز.
- دانشگر، فهیمه، و سنجدی، مونس (۱۳۹۶). *حفاظت از محیط زیست: اهداف هنرمندان آثار هنری ساخته‌شده از اشیاء بازیافتی و مصرفی (کلاژ و مجسمه)*. *اولین همایش بین‌المللی مبانی نظری هنرهای تجسمی ایران با رویکرد محیط زیست*، تهران، ۲ اسفند ۱۳۹۶.
- دلداده، زهره (۱۳۹۱). *هنر محیطی*. در سایت تبیان.
- دهدار، مجتبی، و دهدار، آرش (۱۳۹۷). *برنامه‌درسی و هویت پست‌مدرن*. *روان‌شناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی*، ۲(۱)، ۷۹-۷۲.
- دیویی، جان (۱۳۹۱). *هنر به منزله تجربه*. ترجمه‌مسعود علیا، تهران: ققنوس.
- راش، مایکل (۱۳۸۹). *رسانه‌های نوین در هنر قرن بیستم*. ترجمه‌بیبا روشنی، چاپ اول، تهران: نظر.
- رحیمی، محمودرضا (۱۳۸۵). *درباره‌زیبایی‌شناسی در پرفورمنس*. درگاه تخصصی هنرهای نمایشی ایران، ایران تثاتر.
- رهبرنیا، زهرا، و داوری، روشنگر (۱۳۹۴). *بررسی تعزیه و هنر اجرا (پرفورمنس آرت) با تأکید بر تعامل با مخاطب*. *مجله علمی - پژوهشی پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر*، ۱۴(۴۹)، ۳۰-۱۹.

- سعیدی کیاسری، علیرضا (۱۳۹۰). هینینگ مشارکت تماشاگر و بازیگر. چاپ در شمال نیوز.
- سمیع آذر، علیرضا (۱۳۹۶). *انقلاب مفهومی، تاریخ هنر معاصر جهان*. جلد دوم، چاپ سوم، تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهش چاپ و نشر نظر.
- شالیان، رحیم، سعیدی رضوانی، محمود، امین یزدی، سیدامیر، کارشکی، حسین، و اصغری نکاح، سیدمحسن (۱۳۹۴). تأملی در باب شأن الگو در قلمرو طراحی برنامه درسی. *مبانی تعلیم و تربیت*، ۵(۲)، ۱۷۲-۱۵۳.
- شورت، ادموندسی (۱۳۹۴). *روش شناسی مطالعات برنامه درسی*. ترجمه دکتر محمود مهرمحمدی و همکاران. تهران: سمت.
- صابری، رضا، کبذوری، امیرحسین، محبی امین، سکینه، و پورکریمی هاوشکی، مجتبی (۱۳۹۴). طراحی الگوی برنامه درسی هنر آموزش های عمومی (ابتدایی و متوسطه اول). *مطالعات برنامه درسی ایران*، ۱۰(۳۹)، ۱۵۴-۱۳۳.
- ضیایی، گیتی، رضایی، اکبر، و واحدی، مجید (۱۳۹۷). تأثیر برنامه درسی تلفیقی با هنر بر خلاقیت دانش آموزان پایه سوم ابتدایی سیلوانا. *پنجمین کنفرانس بین المللی روان شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی* (۲۰۱۸).
- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۹۲). *برنامه درسی به سوی هویت های جدید*. جلد اول، تهران: آبیژ.
- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۹۵). *اصول و مفاهیم اساسی برنامه ریزی درسی*. ویرایش جدید، تهران: علم استادان
- قلعه، رضا (۱۳۸۹). هنر محیطی (بررسی تاریخی و نظری). *مجله نظر*، ۲(۷)، ۷۵-۷۴.
- کاظم پور، اسماعیل (۱۳۹۵). تأثیر آموزش تلفیقی هنر در ریاضی بر میزان یادگیری و خلاقیت دانش آموزان. *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۶(۱)، ۷۳-۹۰.
- گلدبرگ، رزلی (۱۳۸۸). *هنر اجرا*. ترجمه مریم نعمت طاووسی، تهران: نمایش.
- لوسی اسمیت، ادوارد (۱۳۸۴). *مفاهیم و رویکردها در آخرین جنبش های هنری قرن بیستم*. ترجمه علیرضا سمیع آذر، چاپ چهارم، تهران: نظر.

- لوسی اسمیت، ادوارد (۱۳۹۶). جهانی‌شدن و هنر جدید (مفاهیم و رویکردها در آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم). ترجمه‌علیرضا سمیع آذر، چاپ دهم، تهران: نظر.
- لینتن، نوربرت (۱۳۸۲). هنر مدرن. ترجمه‌علی رامین، چاپ سوم، تهران: نی.
- مارزونا، دانیل (۱۳۹۶). هنر مفهومی. ترجمه‌فاطمه عبادی، چاپ دوم، تهران: کتاب آبان.
- ملکی، حسن (۱۳۹۵). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل). ویراست دوم، چاپ ۲۴، تهران: پیام اندیشه.
- ملکی، حسن، و گرمابی، حسن‌علی (۱۳۹۷). هویت هنری و زیبایی‌شناسانه برنامه‌درسی. تهران: آبیژ.
- ملکی، شبنم، و بهشتی، میلاد (۱۳۹۸). هنر زمینی کنشی نامتعارف / نگاهی به (Land Art) و هنرمندان مطرح هنر خاکی. چاپ در سایت هنر آنلاین Honaronline.ir.
- مهدی‌زاده، علیرضا (۱۳۸۸). هنر مفهومی، بحران هنر مدرن. مجله‌کتاب ماه، ۱۳۷، ۲۱-۱۰.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۳). آموزش هنر، چپستی، چرایی و چگونگی. تهران: مدرسه.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۶). بازانندیشی فرایند یاددهی- یادگیری و تربیت معلم. تهران: مدرسه.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۰ الف). برنامه‌درسی نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها (ویراست دوم). چاپ پنجم، تهران: سمت.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۰ ب). تبیین چرخش زیباشناسانه در تعلیم و تربیت: درس‌های خرد و کلان برای بهبود کیفیت آموزش با الهام از عالم هنر. تعلیم و تربیت، ۱۰۵، ۳۴-۱۱.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۲). تأملی بر مقوله تولید و تدوین برنامه‌درسی با تأکید بر اندیشه‌آیزنر: مأموریت منسوخ یا معتبر در رشته برنامه‌درسی؟ رویکردهای نوین آموزشی، ۸ (۱)، ۲۰-۱.
- مهرمحمدی، محمود، و امینی، محمد (۱۳۸۰). طراحی الگوی مطلوب تربیت هنری دوره ابتدایی و مقایسه آن با وضعیت موجود. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ۱۱ (۳۹)، ۲۴۶-۲۱۹.
- مهرمحمدی، محمود، و کیان، مرجان (۱۳۹۷). برنامه‌درسی و آموزش هنر در آموزش و پرورش. چاپ سوم، تهران: سمت.
- موسی‌پور، نعمت‌اله (۱۳۹۷). مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش ابتدایی. چاپ اول، قم: اشک یاس.
- هرمن، دیوید (۱۳۹۳). عناصر بنیادین در نظریه‌های روایت. ترجمه حسین صافی، تهران: نی.

- Akker, van den J., Fasoglio, D., & Mulder, H. (2010). *A curriculum perspective on plurilingual education*. Strasbourg: Council of Europe, Directorate of Education and Languages.
- Baker, D. (2013). Art integration and cognitive development. *Learning through the Arts*, 9(1).
- Berenato, C. (2008). *A historical analysis of the influence of John Dewey's educational philosophy on the Barnes foundations art educational experience*. Doctoral Dissertation, Saint Joseph's University.
- Broudy, H. S. (1972). *Enlightened cherishing: An essay on aesthetic education*. University of Illinois press, Urbana.
- Catterall, J. S., Dumais, S. A., & Hampden-Thompson, G. (2012). *Education and the arts: Educating every child in the spirit of inquiry and joy*. The Arts and Achievement in At-Risk Youth: Findings from Four Longitudinal Studies (Research Report 55). National Endowment for the Arts
- Chalmers, I., Hedges, L., & Cooper, H. (2002). A brief history of research synthesis. *Evaluation and Health Professionals*, 25, 12- 37.
- Dewey, J. (1934). *The art as experience*. New York: Capricorn Books, G.P Putnam's Sons.
- Eisner, E. (1998). Does experience in the art boost academic achievement? *Kind of Schools We Need*, 87-100.
- Eisner, E. W. (2002). *The art and the creation of mind*. London: Yale University Press.
- Eisner, E. W. (2008a). Art and knowledge. In G. J. Knowles, & A. L. Cole (Eds.), *Handbook of the arts in qualitative research: Perspectives, methodologies, examples and issues* (pp.3-12). Los Angeles: Sages Publications.
- Green, M. (1984). The art of being present: Educating for aesthetic encounters. *Education*, 166(2), 123-135.
- Greene, M. (1995). *Releasing the imagination: Essays on education, the arts, and social change*. San Francisco. The Jossey-Bass Education Series.
- Hall, Ch., & Pat Thomson, H. (2016). Creativity in teaching: What can teachers learn from artists?. *Research Papers in Education*.
- Hall, Ch., Pat, T., & Lisa, R. (2007). Teaching like an artist: The pedagogic identities and practices of artists in schools. *British Journal of Sociology of Education*, 28(5), 605-619.
- Kaprow, A. (1956). *Assemblage, environments and happenings*. New York, Harry, N. Abrams.
- LaJevic, L. (2013). A research journal in on arts integration schools and communities. *Learning through the Arts*, 9(1).
- Lewitt, S. (1967). *Paragraph on conceptual art*. Art forum 1967.
- Liang, T. et al. (2015). Curriculum integration in arts education: Connecting multiple art forms through the idea of "space". *Curriculum Studies*, 48(5), 610-629.
- Rauschenberg, R. (2019). *Foundation*. Lafayette Street 381.
- Schechner, R. (1994). *Performance theory*. New York: Routledge.
- Smit, A. R. (2008). Educational aesthetes and policy. *Policy Arts Education Review*, 109(6), 3-12.

- Smite, A. R. (2004). Policy and arts education. In Handbook of research and policy in art education, Edited by Elliot. w Eisner and Michael, D. Day. pp. (87-92). Lawrence Erlbaum Associated, Inc.
- Tuazon, A. (2015). *Integrating music in the elementary classroom*. Department of Curriculum, Teaching and Learning. Ontario Institute for Studies in Education of the University of Toronto.
- UNESCO The World Declaration on Art (2006). Available at: www.unesco.org
- Ward, S. A. (1983). Documentation of consensus building approach knowledge synthesis. In S. A. Ward and L. G. Reed (Eds.). *Knowledge structure and use: Implications for synthesis and interpretation* (pp. 551 – 574). Philadelphia: Temple University Press.
- Whitehead, A. N. (1955). *The aims of education*. Lowe Press.
- Wilmeth, D. B. (1993). *Cambridge guide to American theater*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Zais, R. (1976). *Curriculum: principles and foundations*. New York: Harper & Row.